

# راه توده

شهر مولان حزب توده ایران در تلخ از کشور

جمعه ۵ اسفند ۱۳۱۲ مطابق  
۲۴ فوریه ۱۹۸۴  
سال دوم، شماره ۸۱  
پهنا: ۴۰۰ - عرض: ۴۰۰

# پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی کنستانتین اوستینوویچ چرننکو!

انتخاب شما را به سمت دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، از صمیم قلب تبریک می گوئیم. کمیته های ایران و زحمتکشان کشور ما به شما به عنوان شخصیت برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و نهضت بین المللی کمونیستی و کارگری که طی فعالیت ثمر بخش خود در عرصه های گوناگون، با پیروی بی خدشه از اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری در تحقق آرمانهای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و پیروزی امر صلح و سوسیالیسم در جهان نقش بسزایی داشته اید، ارزش والائی قائلند.

حزب ما در شرایط سخت و دشوار کنونی، از اینکه از حمایت انترناسیونالیستی حزب لنین برخوردار است، بی اندازه بقیه در صفحه ۱۳

## چگونه حقایق را تحریف می کنند

یورش وحشیانه به حزب توده ایران، دستگیری، شکنجه، قتل و محاکمه اعضای آن بر پایه اتهامات سخیف پرداخته، سیا و انتلیجنت سرویس ارتباط مستقیم با این سیاست ضد مردمی سران ج.ا.د دارد.  
آنچه در کشور ما می گذرد صحت این ارزیابی بقیه در صفحه ۸

هجد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از تحلیل همه جانبه اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران در مرحله کنونی به این نتیجه رسید که هیئت حاکمه ایران به آماج های مردمی انقلاب بهمن ۵۷ پشت کرده و بسا چرخش به سوی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به مصالح عالی کشور خیانت ورزیده است.

## بن بست نظامی جنگ ایران و عراق

### بازتاب بن بست سیاسی حاکمیت در مانده ج.ا.د است

هفته گذشته حمله بزرگ نیروهای ج.ا.د ایران به خاک عراق، که ظاهراً این بار نیز می بایست " شربه آخر بر پیشر رژیم عراق " باشد، باز هم بدون پیروزی نظامی چشمگیری برای حاکمیت ج.ا.د خاتمه یافت.

هدف اصلی عملیات موسم به " والفجر - ۵ " اشغال جاده استراتژیک بصره - بغداد بود. اما نیروهای ایران در ارتفاعات مرزی و کشور متوقف شدند. هزاران تن دیگر از زحمتکشان د و کشور قربانی این زور آزمایی نظامی شدند. صدها تن دیگر از غیر نظامیان شهرهای مرزی و کشور کشته و زخمی شدند و میلیونها دلار خسارت اقتصادی بر خسارات پیشین افزوده شد.

به این ترتیب، فرسایش باز هم بیشتر نیروی انسانی، بنیه اقتصادی و توان نظامی د و کشور، تنها نتیجه چشمگیر درگیری اخیر بوده است. از پس جنجال های تبلیغاتی سزای ج.ا.د در باره " فتوحات لشکریان اسلام "، واقعیات تلخ باردیگر آشکار می شوند. پیش از آغاز حمله رئیس جمهور خامنه ای می گفت:

" ملت آماده باشند، نیروها به جیبه بروند، باید شربه آخر را بر پیکر رژیم عراق وارد آورد (اطلاعات - نماز جمعه - ۱۵ بهمن ۶۲).

و آقای رفسنجانی تکرار می کرد: " امید داریم که این مرحله از جنگ آخرین مرحله باشد. شما به تمام دوستان و همزمانان تأکید کنید که این بار کار جنگ را تمام کنند (کیهان ۱۹ بهمن ۶۲).

اینک پس از آن که آتش جنگ در جیبه ها بقیه در صفحه ۲

### کارنامه سیاه وزیر کشاورزی

ضمیمه دهقانی:

در صفحات  
تجد

### نگاهی به مسائل و مبارزات دهقانان و نقش حزب توده ایران

### زنان کارگر به دفاع از منافع صنفی، حقوقی و ویژه خود بر می خیزند

صفحه ۷

### کارگران و تهیه پیش نویس قانون کار

صفحه ۵

### مردم مترقی جهان:

### احکام صادره علیه افسران میهن دوست و توده ای های در بند،

### ناقض موازین انسانی، حقوقی و بین المللی است

صفحه ۳

### در زندانهای ج.ا.د قانون جنگل حکم فرماست

### ● در این نبرد نابرابر، بازنده نهایی سرکوبگران خلق اند

سازی، انسان سازی، تعلیم، تربیت، تهذیب، تزکیه و تحکیم پیوند های انسانی هستند.

اوپا تکیه بر " قدرت " سیاه خفقان و سرکوب، آشکارا اعلام می کند قادر است، هر کسی را " در عرض ۳ ماه، انسانش " کند! این قدر قدرت نمایی استوار بر قانون جنگل بقیه در صفحه ۴

آقای لاجوردی، دادستان انقلاب اسلامی مرکز در گفتگوی با خبرنگاران خارجی گفته است: " ما آدم های مسخ شده را انسان ساختم ... (اطلاعات - ۲۴ بهمن) " و ادعا می کند: " ۰۰۰ که در ج.ا.د زندان ها همانند بیمارستانها، وظیفه درمان روحی - اخلاقی زندانیان را به عهده دارند و مراکز اصلاح، باز-

# پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

# بن بست نظامی جنگ ایران و عراق، بازتاب بن بست سیاسی حاکمیت در مانده ج.ا. است

دوباره فروکش کرده است، و مبارزان مردم بسی دفاع شهرها، با توفیق دو طرف موقتاً قطع شده است، آقای خامنه‌ای دوباره می‌گوید:

"جنگ مردم را خسته نکرده است ۰۰۰ مردم ممکن است که سختی‌ها و فشارها را تحمل کنند، اما ممکن نیست در مقابل موج استکبار شکست بخورند، و ما قطعاً پیروزیم"

رزمندگان ایران منتظر اشاره‌ای هستند تا آخرین ضربه را بر حکومت عراق وارد سازند" (رادیو ایران - ۲۷ بهمن ۶۲)

و این داستان دنباله داری است که در ۲۰ ماه اخیر همواره همین مضمون را داشته است. سران ج ۰۱۰ همواره پس از هر شکست، پیروزی نهایی را به حمله بعدی موعول کرده‌اند. و از پذیرش بن بست نظامی جنگ طفره رفته‌اند. در حالی که حتی نامی که بر عملیات اخیر گذارده شده است ( والفجر - ۵ ) خود بهترین نمودار بن بست نظامی جنگ است. پس از شکست‌های سنگین نخستین حملات توسعه طلبانه به خاک عراق، سران ج ۰۱۰ وعده دادند که طی عملیات موسوم به " والفجر " کار جنگ را یکسره کنند. شکست عملیات " والفجر " تنها به تغییر سیاست نامگذاری حملات انجامید. و سپس از شکست هر یک از مراحل ۵ گانه عملیات والفجر - که خود طی مراحل جداگانه‌ای انجام گرفت، سران ج ۰۱۰ وعده پیروزی قطعی در حمله بعدی را دادند. این تسلسل باطل خود به منزله " اعتراف به بیهودگی و بی‌سرانجامی این جنگ خانمانسوز است"

اصرار لاجوجانه بر ادامه جنگ، در شرایط بن بست نظامی، بازتاب مستقیم بن بست سیاسی حاکمیت ج ۰۱۰ است که در مانده در بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی عمیق و گسترده حاکم بر کشور، سرنوشت خویش را با سرنوشت این جنگ بی‌سرانجام که جز به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع منطقه و سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ ایران نبوده و نیست، پیوند زده است.

سران ج ۰۱۰ که با روی گرداندن از آماج‌های اصلی انقلاب شکوهمند بهمن، با احیای نظام منحط سرمایه‌داری وابسته و نوسازی وابستگی اقتصادی و نظامی به امپریالیسم جهانی با نارضایتی روز افزون زحمتکشان کشور روبروست، نگرانی خود را از آنکه با شکست قطعی سیاست جنگی شوونیستی خویش، با ورشکستگی کامل سیاسی روبرو شوند، پنهان نمی‌کنند. هراس ناشی از احساس این بن بست سیاسی است که آنان را به لجاجت غیرمنطقی در ادامه این

جنگ بیهوده فرسایشی و تحمیل این قاجمه انسانی و اقتصادی به مردم ستم دیده ما می‌کشاند.

## خواست صلح عادلانه، باخواست نجات انقلاب بهمن از خطر نابودی نهایی با اتحاد تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست پیوند خورده است

در این شرایط، مردم ما به تجربه عینی پیش از پیش به حقانیت هشدار مسئولان و تاریخی نیروهای پیگیر انقلابی، و پیشاپیش آنها حزب ستم‌ده

همگانی مردم، و تلاش برای بسیج همه جانبه نیروها در راه تأمین آن، بی‌انگیزه احساس مسئولیت و وفاداری آنان به آرمان‌های انقلاب شکوهمند بهمن، و منافع مردم و مصالح میهن ما است.

تأمین توده‌های مردم برای دست‌یابی به صلح عادلانه تا آن حد گسترده است که نمایندگان جناح‌های مختلف سرمایه‌داری ایران تمایلاتی برای جدا کردن حساب سیاسی خود از جنگ طلبان حاکم از خود نشان دادند و تدارک معاملات سیاسی آینده با جنبش صلح خواهانه



ارمغان این جنگ بی‌سرانجام که هر روز انسانهای بیگناه بیشتری را به کام خود می‌کشد، برای مردم ما چیست؟

مردم را می‌بینند. عدم تحریک کافی نیروها؛ پیگیر انقلابی، به این نیروها اجازه خواهد داد که از نارضایتی توده‌ها از جنگ به سود ترمیم اعتبار سیاسی از دست رفته خویش سوءاستفاد کنند.

امروز تشکیل و انسجام جبهه متحد خلق نه تنها ضامن نجات دستاوردهای انقلاب نابودی قطعی، بلکه تنها ضامن پایان دادن این جنگ بیهوده و تأمین صلح عادلانه است. تاریخ هیچ‌گونه تزلزل و تردیدی را بر انقلاب راستین، در راه تحکیم وحدت عمل همه نیروها ضد امپریالیست و میهن‌دوست، و ارتقاء وحدت عمل تا سطح تشکیل جبهه برای نجات انقلاب بهمن و تأمین عدالت اجتماعی و صلح برای مردم ایران، نخواهد بخشید.

ایران، و سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) مبنی بر لزوم خاتمه دادن به جنگ که مدت‌ها پیش، در تابستان ۱۳۶۱ و پس از شکست نظامی همه جانبه تجاوز امپریالیستی عراق عنوان شده بود، می‌برند. حزب مسا در آن زمان دست‌یابی به صلح عادلانه را برای تثبیت و تحکیم و پیشبرد دستاوردهای انقلاب ضروری دانسته بود. اینک سیر رویدادها، حقانیت نظر حزب ما را اثبات می‌نماید. خواست صلح از سوی توده‌های مردم، با خواست نجات انقلاب از خطر نابودی کامل پیوند می‌خورد، و تحقق صلح عادلانه با اتحاد تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست پیش‌از پیش به شرط قطعی نجات و تداوم انقلاب تبدیل می‌شود. در شرایط حساس کنونی، پاسخ‌گویی نیروهای پیگیر خلقی و ضد امپریالیست به این خواست

# به این جنگ خانمان سوز پایان دهید



# مردم مترقی جهان: حکام صادره علیه افسران میهن دوست و توده‌ای‌های در بند، ناقض موازین انسانی، حقوقی و بین‌المللی است

## اتریش

به دنبال اعلام رأی دادگاه‌های فرمایشی علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران، روز ۲۵ ژانویه (۵ بهمن) هیأتی از جانب "انجمن حقوق دانان دمکرات" اتریش که حامل درخواست نامه و طوماری اعتراضی با امضای بیش از ۴۰۰ نفر از مردم مترقی این کشور بود، به سفارت ایران در وین مراجعه کردند و مدارک فوق را تحویل مقامات سفارتخانه دادند.

"انجمن حقوق دانان دمکرات" طی این بیانیه اعتراضی، خواستار پایان دادن به موج پیگرد و اختناق علیه اعضای حزب توده ایران و سایر زندانیان سیاسی مترقی، قطع فوری شکنجه‌ها و آزادی آنان را خواستار شده‌اند و تأکید کرده‌اند، محاکمات بایستی در دادگاه‌های علنی و با حضور ناظرین بین‌المللی برگزار شود و حقوق متهمان کاملاً رعایت گردد.

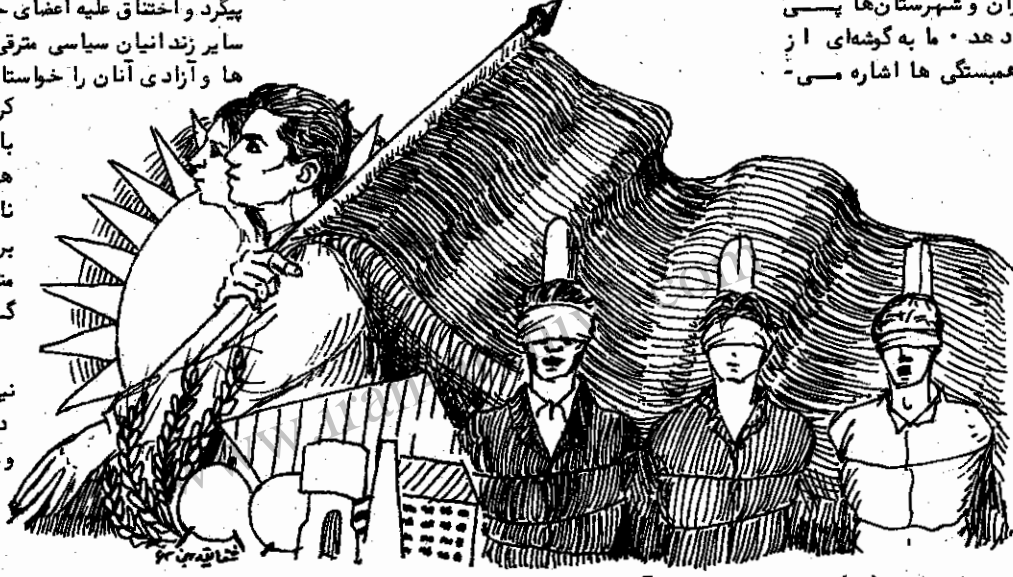
مطبوعات اتریش نیز اخبار مربوط به دادگاه‌ها و انعکاس خبر حکومت‌های سنگین

ایران، مبنی بر دعوت به تشکیل جبهه متحد خلق و لزوم برپائی آن، جهت تحقق آرمان‌های انقلابی مردم ایران، به چاپ رسیده است.

## دانمارک

در هفته‌های اخیر، مطبوعات دانمارک جریان دادگاه و خیر احکام سنگین علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران را منتشر ساخته‌اند.

از جمله روزنامه "لند و فالک"، ارگان حزب کمونیست این کشور ضمن چاپ مقاله‌هایی در این باره، علل سرکوب حزب توده ایران و تاریخچه



این متهمان به تفصیل منتشر ساخته‌اند. از جمله فولکس اشتیمه، ارگان حزب کمونیست این کشور، به درج اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در این باره در روزنامه پراودا اشاره نموده و تفسیری ارائه داده است.

## آلمان فدرال

در مراسمی که روز ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد استقرار فاشیسم در آلمان فدرال، از طرف "سازمان ضد فاشیست‌ها و کسانی که تحت پیگرد نازی‌های قرار داشتند" در شهر هامبورگ برگزار گردید، بیش از ۵۰۰ تن از شخصیت‌های برجسته و نیروهای دمکرات حاضر داشتند. شرکت‌کنندگان در این مراسم بقیه در صفحه ۱۰

مبارزاتی آن و نیز یورشهای ارتجاع به حزب را در دوران سلطه استبداد پهلوی مورد بررسی قرار داده، سیاست کنونی حاکمیت ج ۱۰۱۰ را در کلیه زمینه‌ها - به ویژه سیاست ادامه جنگ - به عنوان ابزاری برای تحکیم قدرت ارتجاع، ارزیابی نموده است.

آنگاه، وضعیت زندانیان و شکنجه‌هایی که در مورد زندانیان اعمال می‌گردد، افشا گردید و ضمن مردود شمردن احکام صادره از دادگاه‌های نظامی ج ۱۰، پشتیبانی هر چه وسیع‌تر محافل دمکرات جهان از متهمان و کلیه زندانیان سیاسی مترقی و اقدامات هر چه سریع‌تر انسان، جهت نجات جان مبارزین میهن دوست و ضد امپریالیست ایران، خواسته شده است.

اعتراضات گسترده سازمان‌ها، احزاب و جمعیت‌های مترقی و دمکراتیک جهانی علیه اقدامات بی‌رویه و صدور احکام جابرانه و ضد انسانی و ضد قانونی رهبران و محاکم ج ۱۰، جلوه دیگری به خود گرفته است. نگاهی گذرا به مطبوعات مترقی و آزادی‌خواه جهان، شدت خشم و اعتراض بشریت انسان دوست و آزاده را علیه خود سرب‌های بی‌بند و باران سردمداران ج ۱۰ که در جریان برگزاری دادگاه‌های فرمایشی افسران میهن دوست و توده‌ای‌های در بند و صدور احکام جابرانه علیه آنان منعکس شد و اکنون در ادامه بزرگنمایی بنیدادگاه‌های سایبر در پندان توده‌ای در تهران و شهرستان‌ها پی گرفته می‌شود، نشان می‌دهد. ما به گوشه‌ای از این اعتراضات و ابراز همبستگی‌ها اشاره می‌کنیم:

## یونان

ریزوس پاستیس، ارگان حزب کمونیست یونان در تاریخ ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن) طی چاپ مقاله "مبسوطی به مناسبت فرارسیدن سالگرد انقلاب بهمن ۵۷، سیر نزولی انقلاب و سیاست‌های خیانت‌بار حاکمیت ج ۱۰ را بررسی کرده و قربانی نردن کمونیست‌ها را در خدمت پیشبرد اهداف امپریالیسم و ارتجاع و به منظور نابودی کامل انقلاب ارزیابی کرده است.

در این مقاله همچنین، ضمن درج قسمتهایی از اعلامیه کمیته مرکزی پیرامون رأی دادگاه‌های نظامی، مبنی بر محکومیت‌های سنگین علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران، این احکام را مردود شناخته و ضمن تأکید بر اهمیت تشدید همبستگی بین‌المللی در نجات جان این افراد از کلیه نیروهای دمکرات و بشردستان خواسته شده است. در این زمینه، بر تلاش‌های خود پیفزایند.

در این مقاله، هم چنین گوشه‌هایی از قطع‌نامه "پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده"

# با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

# در زندانهای ج. ا. قانون جنگل حکم فرماست

## • در این نبرد نابرابر، بازنده نهایی سرکوبگران خلق اند

بقیه از صفحه ۱

حاکم پر ج ۱۰۰ زندانهای آن را چگونه می توان توجیه کرد؟! آنچه مسلم است، آنست که در پیس این عبارت پردازی های "انسان سازانه" و "اصلاح کارانه" و "مذهب پرورانه"، واقعیت شوم و طاقت سوز زندگی هزاران زندانی سیاسی ای نهفته است که اکنون سرنوشت تلخ آنان به دست جلادانی ضد بشر و سیاه دل سپرده شده، زندگی ای که - در "پرورشگاه های اسلامی" با شکنجه و تعزیر و تفتیل و اجسرای نیایش صیحاگی " و حضور اجباری در کلاس های "آموزش ایدئولوژیک" ذره ذره می پزرد.

بی شبهه، آن چه حاکمان روبرتافته از خلق ج ۱۰۰ را به سوی اعمال این شیوه های فاشیستی سوق می دهد، از یک قانونقرایی سیاسی و اخلاقی سرچشمه می گیرد که تجاوز به همه آداب و موازین انسانی را مجاز می شمرد و تخلف نا مشروع از حقوق بشر و آئین های پذیرفته شده از جانب تمامی جوامع تمدن را ممکن می سازد.

این شیوه ضد انسانی در واقع نقطه پایان منطق حاکمیتی است که پشتیبانی نه در میان مردم، بلکه در بین دشمنان مردم جستجو می کند؛ انعکاس ضعف و ورشکستگی سیاست گزارانی است که یارای مقابله مردانه و اصولی با نیروهای بالنده و پیشرو را ندارند؛ ترجمان مستقیم بروز مقاومت ها و ناراضی های مردمی است که حقوق طبیعی و انسانی خود را می طلبند، نه پیش!

حقایق تکان دهنده ای که از وی دیوار های بلند شکنجه گاه های رژیم و اطاق های تمشیت به بیرون راه می یابد، از ظلمت غلیظ و خونینی که بر زندگی زندانیان سیاسی سنگینی می کند، حکایت دارند. تودهای ها و فدائیان و مجاهدین، اولین قربانیان شر قاهری هستند که سرشت زندانیان و شکنجه گران دست آموز سیا و ساواک را با آن ساخته اند. در زندان های ج ۱۰۰ اعمال شکنجه و عذاب، در هیچ مرحله ای قطع نمی شود. شکنجه های جسمی و روانی طاقت شکن از قبیل شلاق زدن با کابل های برق، سیم بکسل ماشین و حتی میله های آهنی، استفاده از آپولو، آمیزان کردن، تحمیلی خوابی ممتد، تزریق مرفین و ایجاد اعتیاد، تجاوز به زندانیان، بستن چشم ها و گوش ها، برپائی صحنه های نمایشی اعدام، کندن پوست زندانیان و گرفتن خون از آنان در کنار تیلسل پایمان ناپذیر تحقیر و توهین، قطع جیره، روزانه کودکان و اطفال شیرخوار زندانیان، به نمایش گذاشتن اجساد اعدام شدگان و وادار کردن زندانیان به جمع آوری اجساد تیرباران شدگان، کوشه کوچکی از جهنم زندانهای است که جلاد شیرسز اوین به آن عنوان "پرورشگاه" و "بیمارستان روحی - اخلاقی" داده است. در کنار این

درهم کوی جسمی و روانی که همانند یازد اشتگاه های مرگ هیترلی به کوچکترین بهانه ای انجام می گیرد، حضور در جلسات به اصطلاح آموزش ایدئولوژیک شرکت در مراسم سینه زنی و عزاداری هر روزه، گوش دادن به "موظه های ضد اخلاقی مروجان" اخلاق اسلامی، شرکت

### تقدیم به زندانیان توده های در ایران

## منظومه ای برای زندانی

ببیندیش به آنی که بیگناه در بند است  
آنگاه که هنوز آزادی!

ببیندیش به آنی که بار سنگین بیداد را  
بر شانه هموار می کند!

برگرستگی اش اندیشه کن،

هنگام که در خموشی، لقمه فرو می دهی!

بر تشنگی اش اندیشه کن،

هنگام که آبی زلال

بر کلوگت ترانه می خواند!

اندیشه کن به نفس های گرفته و اسپین او

آندم که دم، تازه می کنی!

ببیندیش به بیداری های شبانه او

که خواب، بوسه ایست،

آنگاه که بر پیشانی دخترک خفته است بوسه می نهی!

پس غنیمت شمار بی نیازی را

نگهبان باش آب را و نان را

فرصت شمار هوا را

و گرمی شیرین کاشانه را!

خرده نانی راحتی بپیموده مینداز

چرا که او گریبینه است

مبادا چکه آبی هدر شود

که او از تشنگی می سوزد.

غنیمت شمار آسمان را

که زندانی شکنج در آرزوی یک پاره آنست

نگهبان باش همه چیز را جز سکوت

چرا که سکوت همدست جلادان است!

بیا با خشم و با نفرت، ترانه بخوانیم

که عشق به انسان، لگد کوب زرگیان است.

x x x

آنگاه که هنوز آزادی

ببیندیش به آنکی که بیگناه در بند است!

شاعری از آمریکای لاتین

در جلسات "توبه" که با ترجیح بند "گناهکارم، من گناه دارم"، آغاز می شود و پایبندی می گیرد، از برنامه های روزانه و اجباری زندانیان سیاسی است.

به این ترتیب، حتی یک لحظه از روز و شب سیاه این در زندان، به خودشان تعلق ندارد. آرامش و راحتی جسم و روان، در اضطراب تب آلود محیط پر تشنج زندان محو می شود. دروا باید گفت تلاش زندانیان ج ۱۰۰ نه در جهت انسان سازی، بل، در سمت هیچ ساختن او به عنوان یک انسان است. هوای مسموم و سنگین این "بیمارستان"، زهری است که هر لحظه زندانیان را به خموشگاه عدم می کشاند و باز به زندگی تیره و دوزخ زندان باز می گرداند: بایه در درون مرگ زیست!

این زنجیره عذاب و شکنجه و تحلیل روح تا آخرین لحظه با قربانیان قساوت مأمورا ج ۱۰۰ همراه است؛ هیچ مبارزی، حق شعس دادن هنگام تیرباران شدن را هم ندارد. آید ندای حق طلبانه محتی در آستانه شهادت برای جلادان ضد بشر ج ۱۰۰، مطنین شومی دار آنها قربانی خود را به چوبه های مرگ می بندند. ابتدا تیرهای هوایی، و یا گلوله هایی به پسران آنها شلیک می کنند و اگر دهان محکومی بر شاعر دادن گشوده شود، او را هم چنان خون آلود به دخمه های سیاه بازمی گردانند تا به تمام "تربیت" و "تهدیب" شود و پس از آن تزکیه شده، در برابر جوخه های اعدام بایستد. ناگفته پیداست، دامنه این قساوت رذیلت با دیوانه سری بیشتر مانانهای به خانواده زندانیا نیز کشیده می شود. علاوه بر اعمال تهدید، ارباب ها، بازداشت های گاه و بیگاه، اخراج شدن ها از محل کار و تحصیل، به جرم داشتن پیوند های خانوادگی با زندانیان و ... هر از چندگاهی، این و آن قربانی را با سرو و آشفته، حالتی نا متعادل و پریشان و البته د معیت چند پاسدار ۳-۲-۱ به دست نزد خانواد های زندانیان می برند و بر رنج و اندوه و حرما و اضطراب آنان می افزایند. تصویر این اصطلاح د یدارها که به جای تسکین آتش در سکور پر درد خانواده ها می افکند، قلب هر انسان به وجدانی را می فشارد.

اما با همه این ها، آن که در این میسار سازنده است، همانا حاکمیت ج ۱۰۰ است که تقار می کند، با این سلاخی های جسمی و روحی توان مردم را در مبارزه علیه بیداد تحلیل برد، پایداری آنان را در حق طلی و عدالت جوشی بشکند و تسلیم به سرنوشتی تیره و مرگ آفرین را تنها راه چاره بشناساند. تقلائی مذبحانهای که همه جباران تاریخ آن را آزمودند و سرانجام عیب بودنش را با گرفتار شدن به لعنت ابدی خلق دریافتند.

# کارگران و تهیه‌پیش‌نویس قانون کار

در این هفته پیش‌نویس قانون کار از طرف وزارت کار در اختیار مطبوعات قرار گرفت. همچنین از طرف این وزارت خانه اعلام گردید که روز ۶ اسفند سمیناری به منظور کسب نظرات کارگران برگزار خواهد شد.

در مورد روح حاکم بر این پیش‌نویس، وزیرکار صریحا گفته است:

"برخلاف قانون رژیم گذشته که بیشتر مبتنی بر ارتباط و اختلافات کارگران و کارفرمایان بود، در این لایحه با یک دید و با یک شرایط به هر دو توجه شده است" (اطلاعات ۱۹/۱۱/۱۲).  
نگاهی به روند تدوین این قانون کار، نشان می‌دهد که وزارت کار در جریان تدوین پیش‌نویس قانون کار، بی‌طرفی ادعائی خود را کنار گذاشته، دست کارگران را بسته و دست سرمایه‌داران را برای مشارکت در تهیه قانون کار! باز گذاشته است.

قانون کار مهم‌ترین قانونی است که با سر-نوشت کارگران بستگی دارد. مهم‌ترین مسائل کارگران از قبیل دستمزد، حق کار، بیمه، باس-نشستگی و غیره توسط این قانون تعیین خواهد شد. بنابراین حق طبقه کارگر ۵ میلیونی است که با تمام توان و امکانات خود در تدوین قانون کار شرکت جوید. ولی وزارت کار، به جای اینکه امکانات لازم برای مشارکت جوده‌های وسیع کارگر و به ویژه نمایندگان واقعی آنان را فراهم کند، تمام تلاش خود را صرف انجلاال سازمان‌های صنفی کارگری و طاغوتی نماید آن‌ها کرده است. شورا‌های کارگری نیز زیر فشار دایم کارفرمایان امکان عملی و مستقل خود را برای شرکت در این امر حیاتی از دست دادند. در چنین شرایطی، آیا تشکیل سمینار یک روزه، برای شرکت کارگران در تدوین قانون کار، به‌سوخو گرفتن کارگران نیست؟

آیا بدین ترتیب میلیون‌ها کارگر کشتی‌ساز، مهندس، ساختمانی و صنوف مختلف که در اقصی نقاط کشور کار می‌کنند و رنج می‌کشند و اکثری بی‌سوادند،



کارگران و زحمتکشان!  
برای نجات انقلاب متحد شوید!

امکان مشارکت واقعی در سرنوشتان را خواهند داشت؟  
میلیونها بیچاره چگونه خواهند توانست در تدوین قانون کاری که بر سرنوشتان نیز حاکم خواهد بود، شرکت کنند؟

از سوی دیگر ۱۶۰ سندیکای سرمایه‌داران، که نه منحل شده و نه طاغوتی قلمداد می‌شوند، از طریق اتاق بازرگانی و همراه با دیگر تشکلهای کارفرمایان، از قبیل انجمن مدیران، فعالانه در تدوین قانون کار، در جهت منافع سرمایه‌داران، شرکت داشته‌اند!

اگر حتی ادعای وزیر دار در مورد بی‌طرفی بین کارگران و سرمایه‌داران صحت داشته باشد، باید به کارگران نیز امکان و فرصت کافی در این مورد داده شود. ظاهرا بهانه وزارت کار برای جلوگیری از شرکت کارگران در تهیه قانون کار ارائه هر چه زودتر این پیش‌نویس به مجلس شورا است. این طریقه پیدا است به اعتقاد آنها مجلس دوره بعد، با ترکیب ارتجاعی‌تر خود، مسلما قانون کاری را به تصویب خواهد رساند که به مراتب منافع سرمایه‌داران را بیشتر مد نظر دارد و مصالح کارگران را بیشتر زیر پای می‌گذارد. تجربه کارگران ثابت کرده است که تنها آگاهی و قدرت آنها ضامن تصویب یک قانون کار مرفعی است. کارگران یک بار در سال پیش‌پا قدرت خود، جلوی تصویب پیش‌نویس قانون کار توکل را گرفتند.

اکنون نوبت کارگران هشیاراند و هیچکس نمی‌تواند سرنوشت آنها را به بازی بگیرد. کارگران خواهان آن‌اند که فرصت و امکان داشته باشند تا با تشکیل جلسات بحث و بررسی در سطح کارگاه، منطقه، استانی و سراسری، خواستههای مشترک خود را در مورد اصول و مواد پیش‌نویس قانون کار اعلام کنند. کارگران می‌دانند که بدون مشارکت واقعی و فعال آن‌ها، سرانجام همان نظرات سرمایه‌داران بر سرنوشتان حاکم خواهد شد. ما در این زمینه باز هم صحبت خواهیم کرد.

اتحاد آنها است. حمایت از همین قدرت اتحاد کارگران می‌ترسد.

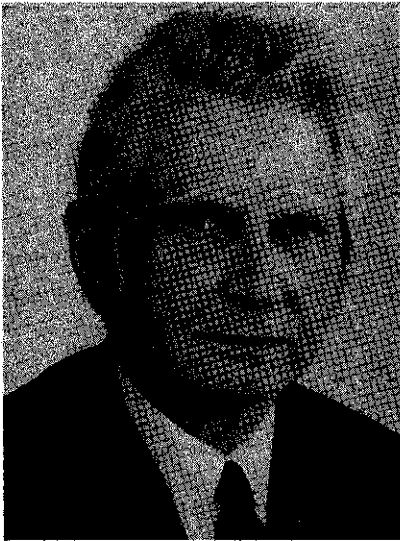
کارگران همواره بر این بوده‌اند که به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین طبقه ایران، باید سهم شایسته خود را در رسانه‌های گروهی داشته باشند. کنگره پنجم شوراها صریحا صد و سیما می‌ج ۱۰ را مورد انتقاد قرار داد که فیلم برداران و مخبران خود را به کنگره نفرستاده است.  
منافع مشترک طبقاتی کارگران آنها را می‌دارد تا از فعالیت‌ها، مبارزات و تجربیات یکدیگر با خبر شوند. کارگران با آگاهی خود و استفاده از تمام شیوه‌های ممکن این توطئه سکوت حاکمیت را نیز با شکست مواجه خواهند کرد.

## توس حاکمیت از آگاهی طبقه کارگر

خود را حذف کرده است. تمام اینها کارگران را به یاد دستور العمل های ساواک می‌اندازد. کارگران به خوسی به یاد دارند که رژیم شاه چگونه، به دلیل ترس از شکستن دیوار فریب و دروغ خود، از پخش اخبار مربوط به مسایل و مبارزات کارگران جلوگیری می‌کرد. اکنون نیز حاکمیت ج ۱۰ به دلیل پشت کردن به کارگران و زحمتکشان، از آگاهی آنان به شدت می‌ترسد و همان شیوه‌ها را به کار می‌برد. حاکمیت می‌داند که قدرت کارگران در همبستگی و

رسانه‌های گروهی ج ۱۰ درهای خود را به روی کارگران بسته‌اند. آنها دستور صریح دارند که هیچگونه اخبار کارگری را بدون کنترل مأمورین امنیتی منتشر ننهند. مسئولان مملکتی حتی از بر زبان آوردن کلمه کارگر ابا دارند در صفحات متعدد روزنامه‌های رسمی، حتی صفحاتی که عنوان کارگر دارند، اثری از اخبار کارگری به چشم نمی‌خورد. برنامه نیم ساعته "کار و کارگر" رادیو عدالت به گفتگوی مدیران اختصاص دارد. سیما می‌ج ۱۰ که اصلا بدتها است برنامه کارگری

# رفیق رضا رادمش از میان ما رفت

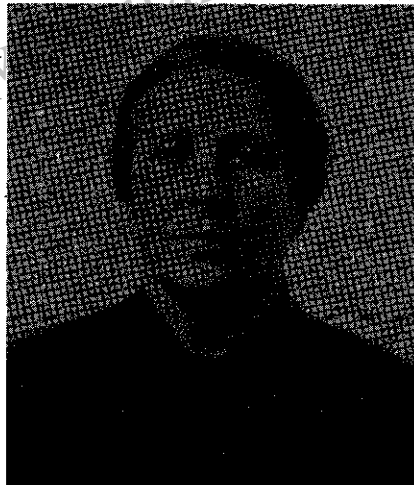


۱۳۶۲-۱۳۸۴

به نمایندگی مجلس انتخاب شد . کنگره اول حزب در سال ۱۳۲۳ رفیق رادمش را به عضویت کمیته مرکزی و کنگره دوم حزب در سال ۱۳۲۶ او را به سمت دبیر اول کمیته مرکزی برگزید . تا سال ۱۳۴۹ رفیق رادمش دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران بود . بعد از غیرقانونی شدن حزب در سال ۱۳۲۷ ، رژیم شاه رفیق رادمش را غیاباً محکوم به مرگ کرد . در طول تمام این سال ها ، رفیق رادمش با تمام نیروی جسم و جان خود در اختیار حزب بود و در شرایط بسیار دشوار همیشه وفاداری کامل خود را به اصول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری به اثبات رساند . او یک میهن دوست بزرگ ، یک انقلابی آزاد ، و یک انسان شریف ، نجیب و فروتن و یک پدر مهربان و غمخوار بود . او ایران را تنها سرحد پرستش دوست داشت و بزرگداشت تاریخ ، فرهنگ و مظاهر تمدن ارزشمند و کهن سال آن را از وظایف تخلف ناپذیر کمیونیتی خود می-شمرد . او سالیان دراز به عنوان پرچمدار حزب ، آماج نازواترین حملات دشمنان حزب بود ، و ی

کمیته مرکزی حزب توده ایران با تأسف و اندوه فراوان به اطلاع رفقای حزبی و تمام زحمتمندان ایران می-رساند که روز دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۲ رفیق دکتر رضا رادمش دبیر اول اسبق کمیته مرکزی حزب توده ایران ، از رهبران برجسته جنبش کمونیستی و کارگری کشور ، و از فعالین جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری ، پس از یک بیماری طولانی زندگی را به درود گفت . رفیق رضا رادمش در سال ۱۲۸۴ به دنیا آمد و از اوائل جوانی به جنبش انقلابی و کارگری ایران پیوست و تا باز پسین دم زندگی به اید الهامی والای طبقه کارگر وفادار ماند . درد ویران حکومت مطلقه رضا شاه ، رفیق رادمش به جرم فعالیت انقلابی به زندان افتاد و مدت پنج سال از زندگی خود را در پشت دیوارهای زندان استبداد گذراند . پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۲۰ ، رفیق رادمش از بنیان گذاران حزب توده ایران بود . در انتخابات دوره چهاردهم مجلس رفیق رادمش از اهلیجان

# رفیق جمیله صدیقی درگذشت!



اطلاع یافتیم که روز جمعه ۲۱ بهمن ۱۳۶۲ ، رفیق جمیله صدیقی ، از پیش کسوتان جنبش کمونیستی در ایران و مبارز برجسته راه کسب حقوق اجتماعی برای زنان ایرانی در سن هشتاد سالگی درگذشته است .

رفیق گرامی ما جمیله صدیقی ، در سال ۱۲۸۲ در شهر رشت زاده شد . او در هفده سالگی یعنی در سال ۱۲۹۹ فعالیت های حزبی و اجتماعی خود را آغاز کرد . پیش از عضویت در حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ ، رفیق جمیله عضو حزب کمونیست ایران بود و فعالیت گسترده ای در زمینه بیدار کردن زنان برای دفاع از حقوق حقه انسانی خویش آغاز کرده بود . بر اثر همین فعالیت ها رفیق جمیله دوباره به زندان ارتجاع ایران افتاد . بار اول چهار سال و بار دوم یک سال در زندان بود و سپس او را تبعید کردند .

پس از شهریور ۲۰ سقوط دیکتاتوری رضا خانی ، رفیق جمیله به حزب توده ایران پیوست و از آنجا که مبارزه در راه احقاق حقوق زنان امری ضروری می-دانست فعالیت خود را در این زمینه متمرکز نمود . او مدتی مسئول تشکیلات زنان ایران بود و در چندین کنگره جهانی زنان به عنوان نماینده زنان مترقی و دمکرات ایران شرکت کرد . چهار سال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، رفیق جمیله که سخت مورد پیگرد بود از جانب حزب به خارج از کشور فرستاده شد .

او پس از انقلاب بهمن ۵۷ به علت کمولیت و بیماری نتوانست بلافاصله به وطن بازگردد و بعد ها به دلیل حاکم شدن مجدد عناصر قشوری و ارتجاعی بر کشور که دشمنان سرگند خورده زنان آزادی خواه و روشنفکر ایران هستند ، بازگشت او غیرممکن شد .

رفیق جمیله صدیقی با تلخ گامی از اینکسپ زن ایرانی بزرگترین بازنده تسلط ارتجاع قشوری بر سرنوشت کشور است ، پیش از اینکه بتواند شوره یک عمر تلاش و مبارزه خود را ببیند چشم از جهان فروبست . ولی زنان مبارز ایرانی یاد او را گرامی می-دارند و پیکار او را برای آزادی زن از قید و بند قرون دنبال می-کنند .

هرگز پای مقاومت سست نکرد ، هرگز در برابر حملات دشمنان نلرزید و هرگز از اصول مورد اعتقاد خویش بازنگشت .

رفیق رادمش نه تنها یک رجل برجسته سیاسی بود ، بلکه در زمینه علمی نیز مقامی شامخ داشت . او با وجود اشتغالات سیاسی ، همیشه رابطه خود را با رشته تخصصی اش ، یعنی فیزیک مدرن حفظ کرد و در سالهای اخیر که فراغت بیشتری داشت در این زمینه به کاوش ها علمی ارزنده دست زد .

حزب توده ایران با از دست دادن رضا رادمش یکی از گرامی ترین فرزندان خویش را از دست داده است . ولی نام او و یاد او ، در دل های زحمتمندان ایران و در تاریخ حزب ، جاوید خواهد بود . رفیق رضا رادمش تا باز -

پسین دم زندگی همیشه به حزب می-اندیشید و به یاد ایران بود ، به یاد کشوری که ما توده های سرتاپای زندگی خود را در راه استقلال ، آزادی ، سربلندی و ترقی آن نهاد ایم . او از حوادث غم انگیزی که در کشور ما می-گذرد ، به شدت رنج می-برد و یاران خود را به صبر ، پایداری و مبارزه می-خواند . او هرگز نمیدی به خود راه نداد و هرگز اندوهش به سرخوردگی بدل نشید . او اطمینان قطعی داشت که این شب یلدا ای پر اندوه ، در یازدهم سپیده دم خواهد پیوست و از میان صبرانه های ایران اسیر و بهت زده امروز ، ایران آزاد ، آباد و سرفراز فردا قامت راست خواهد کرد . دریغ که او رفت و آن روز را ندید . کمیته مرکزی حزب توده ایران یاد رفیق رضا رادمش ، این انقلابی شریف و پایدار و ایستاد میهن دوست بزرگ را گرامی می-دارد و در برابر خاطره پاک او سر تعظیم فرود می-آورد . نام او همیشه در دل های آنان که به آرمان های والای طبقه کارگر وفادارند و ایران را دوست می-دارند ، باقی خواهد ماند .

ما درگذشت رفیق رضا رادمش را به همسر و فرزندان گرامیش صمیمانه تسلیت می-گوئیم و برای آنها شکیبائی آرزو می-کنیم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ بهمن ۱۳۶۲

# زنان کارگر به دفاع از منافع صنفی، حقوقی و ویژه خود برمی خیزند

هنگامی که در پائیز سال ۱۳۰۷ ارتش مزدور رژیم آمریکائی "شاه" و سربازان گسارد شاهنشاهی، صفوف انبوه تظاهر کنندگان را در خیابانها به گلوله می بستند، طبقه کارگر قهرمان ایران برای وارد کردن ضربه نهائی بر رژیم ضد مردمی شاه ملحمون، تدارك اعتصاب شکوهمند سراسری خود را به پایان می برد.

رهنمود حزب توده ایران به زحمتکشان برای برپائی اعتصاب سراسری و شکستن کمر رژیم به سرعت توسط توده های زحمتکش، درك و به مرحله اجرا درآمد. صدها کمیته مخفیسی انقلابی از کارگران آگاه در واحدها و مراکز بزرگ و کوچک کارگری برای هدایت مبارزات اعتصابی کارگران تشکیل شد. راهبری درست حرکت اعتصابی میلیونها کارگر، توسط کمیته های اعتصاب، تیر خلاص را به شقیقه رژیم وابسته و ضد خلقی شاه شلیک کرد. در این زمینه نقش انقلابی زنان کارگر در کارخانه ها و مراکز کارگری و وسعت مشارکت آنان در مبارزات عمومی طبقه کارگر جای ویژه ای دارد.

زنان کارگر، علی رغم تشیبات عوامل رژیم سیرنگون شده با حفظ وحدت صفوف کارگران و پیکار شعار های عمومی زحمتکشان در مبارزه شیرکت کردند. در دهها واحد بزرگ کارگری نمایندگان زنان کارگر در کمیته های انقلابی اعتصاب شرکت مستقیم داشتند. برای نمونه کافی است اشاره کنیم که پنجمین حرکت اعتراضی و اعتصابی در کارخانجات بافندگی مقدم، مینو، ایستار لایت و ... از قسمت هایی که زنان کارگر در آن جا متمرکز بودند آغاز شد. در کارخانجات متعدد دیگر، زنان کارگر در مجامع عمومی انقلابی کارگران فریاد رسای زن زحمتکش میهن ما را به گوش هم زنجیران خود رساندند و وحدت نظر و عمل بی سابقه همه زحمتکشان در واحدهای کارگری مرزهای مصنوعی تمایزات جنسی، مذهبی، ملی و ... را درهم نمودید. پس از پیروزی انقلاب، زنان و مردان کارگر، مد و شاد و شیک دیگر به تصفیه محیط کار از عوامل رژیم سفور گذشته و سرمایه داران وابسته پرداختند. بازوان پرتوان شان برای به گردن آوردن چرخ تولید به کار افتاد. زنان کارگر در کنار کار سازنده محقوق ویژه زنان و مادران زحمتکش را مطالبه کردند. خواست های برحق زنان کارگر، به مثابه جزئی از مطالبات عمومی طبقه کارگر با پشتیبانی همه زحمتکشان ام از زن و مرد مواجه شد. شوهرهای انقلابی کارگران به ابتکار خود دست به ایجاد صدها مهد کودک و شیرخوارگاه در واحدهای تولیدی زدند و امکان آموزشی، برای زنان کارگر و ارتقاء شغلی آنان را فراهم نمودند. ارجاع کارهای زیان آور برای سلامت زنان در بسیاری از واحدها محدود شد. در تعدادی از کنار-

خانه ها حق استفاده از مرخصی قبل و بعد از زایمان یا پرداخت دستمزد، با نظارت شوهرها، به مرحله اجرا درآمد. ناگفته نماند که در کنار تحولات مثبتی که به سود زنان زحمتکش در کارخانه های بزرگ صورت می گرفت و نتیجه مبارزه متحد و متشکل کارگران اینگونه واحد ها بود، زنان کارگر شاغل در واحدهای کوچک و بخش خصوصی کماکان از ابتدائی ترین حقوق خود محروم ماندند.

در چنین شرایطی که کارگران به طور متشکل در عرصه مبارزه حضور داشتند، هیچ نیرویی قادر نبود به خواست های آنان بی توجهی کند. به همین دلیل در قانون اساسی ج ۱۰۱۰، به طور

اعتراضی و مراجعه به مقامات مسئول، این سند اسارت پسا را رد کردند. هنگامی که محتمد رضایی (معاون وزیر کار) در جلسه "خانه" کارگر اصفهان، برداشت های ضد کارگری خود را در مورد حقوق زنان مطرح کرد. نماینده زنان کارخانه با افاز با شهادتی در خور ستایش، با تأکید بر نقش بی سابقه زنان در پیروزی انقلاب و رد نظرات ارتجاعی معاون وزیر گفت: این گونه برخورد به حقوق زن، تنها از کسانی برمی آید که برای مادر و همسر خود نیز ارزشی قائل نیستند. به موازات تقویت مواضع راستگرایان و نمایندگان کلان سرمایه داران در حاکمیت ج ۱۰۱۰، دهها اقدام خصمانه علیه حقوق زنان زحمتکش به مرحله



نسبی برخی از حقوق دمکراتیک زحمتکشان و زنان کارگر با زتاب یافت. تیزد طبقاتی عظیمی بر سر اجرا یا عدم اجرا اصول مترقی قانون اساسی بین زحمتکشان از یک سو و نمایندگان کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ از سوی دیگر در گرفت.

سرانجام امپریالیسم و ارتجاع داخلی، در کنار تعرض به حقوق زحمتکشان سایر اقدامات انقلاب برانداز خود و قلع و قمع تشکل های مستقل کارگری را آغاز کردند. مخالفین زحمتکشان، فشار بی سابقه ای علیه زنان به طور عموم و زنان زحمتکش به طور ویژه سازمان دادند. در پیش نویس قانون کار کذائی ترکیبی - معتمد رضائی سر همه دستاوردهای ۷۰ سال مبارزات طبقه کارگر میهن ما خط بطلان کشیده شد و حقوق زنان زحمتکش به خشن ترین صورتی نقض گردید. طبقه کارگر قهرمان میهن ما، در مقابل این اقدام ضد انقلابی، چون کوه استوار ایستاد. محیط کارخانه ها یک بار دیگر، تجلی گاه وحدت بیسابقه کارگران شد. زنان و مردان کارگر در مجامع عمومی به افشا، ماهیت ضد کارگری پیش نویس قانون کار پرداختند. میلیونها کارگر بسا صد مرتبه قطعنامه، جمع آوری امضا و طولمارهای

اجرا درآمد. استخدام زنان در مراکز صنعتی و تولیدی به میزان زیادی محدود شد. زنانی که به کمک شوهرهای نارگری متناسب با تخصص و تجربه خود در مشاغل سرپرستی و استاد کاری قرار گرفته بودند به کارهای ساده قبلی گمارده شدند. خانم "ز" کارگر کارخانه میگوید در سال ۱۳۵۰ قریب ۲۵۰ زن و دختر کارگر با مدرک تحصیلی ششم ابتدائی تا دیپلم متوسطه در این کارخانیه استخدام شدند. اکنون پس از ۱۲ سال سابقه کار و نشان دادن توانائی در کار با ماشین آلات پیچیده، هیچ يك از این ۲۵۰ نفر ارتقا شغلی نیافتند. تعداد محدودی از زنان که در سال اول انقلاب ارتقا شغلی گرفتند، اکنون مجدداً به کارهای ساده و غیر تخصصی گمارده شده اند. زنان باردار یا بیانه های مسخره از محیط کار اخراج می شوند. نمونه های متعددی وجود داشته است که زنان باردار از بیم از دست دادن شغل بارداری خود را تا ماههای آخر از مسئولان و سرپرستان قسمت خود پنهان داشته اند. اکنون زنان زحمتکش که با جلب اعتماد و اطمینان کارگران به نمایندگی از سوی آنان در کنگره های سراسری کارگری خواست های برحق بقیه در صفحه ۱۳

# چگونه حقایق را تحریف می کنند

بقیه از صفحه ۱

مبارزان ، این تلاش خود را با شیوه های غیر دموکراتیک مانند پاره کردن بیانیه ها و شعارهای سازمان های ملی و دمکراتیک دیگر ، ضرب و جرح و تهدید این مبارزان و یا اهانت به زبسان و دختران مبارزی که مطابق میل آنان لباسی ننوشید ه اند ، توأم کرد ماند .

آیا آقای هاشمی رفسنجانی می تواند این حقیقت عریان را نفی کند ؟ توسل به شیوه های فاشیستی مقابله با نیروهای انقلابی پندیده جدیدی نیست ، کما اینکه روشهای ضد توده های و ضد کمونیستی آقایان نیز تازگی ندارد . در مهر ماه سال ۵۷ ، یعنی سه ماه قبل از انتشار اظهاریه نامبرده در فوق رهبری حزب طی اطلاعیه ای روش های برخی از نیروهای ضد توده های رایج در آن ایام را ندهش کرد و نوشت :

" ما برخی عناصر و نیروها را که تصور می کنند با اتخاذ یک روش ضد توده های و فاشیستی می توانند به سود خود راهگشایی کنند ، از عواقب مضر چنین پندارهایی بربخیزد می داریم . نباید فراموش کرد که ارتجاع و امپریالیسم با همین بهانه های " خطر کمونیسم " حکومت ملی دکتور محمد مصدق را سرنگون ساختند و رژیم کثونی از زبان دولت شریف امامی برای توجیه جنایت ۱۷ شهریور باز هم پای " خطر کمونیسم " را به میان کشید ."

مبارزه با حزب توده ایران و سنگ اندازی به جانب نیروهای چپ هم در آن روزهای حماسه آفرین و هم امروز هدف واحد داشت : ارضای امپریالیسم ، اگر در آن ایام ضد انقلاب به اهداف خود نائل نیامد ، نه برای این بود که نخواست ، بلکه نتوانست و قادر نبود . این اصل در مورد ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب مورد استناد آقای هاشمی رفسنجانی نیز صادق است . در ماه های نخست پس از پیروزی انقلاب آزاد بیهای نسبی موجود را خائنین امروزی به اهداف انقلاب و مردم و دولت مقتدر به مردم اعطا نکردند . در آن روزها توده های میلیونی آفرینندگان انقلاب شکوهمند بودند که اراده خویش را تحمیل می نمودند . خیلی زود نشان داده شده که ...

چماق حزب الهی ها ، که دیگر اکنون به و تبدیل شده بود ، نه متوجه ساواکی ها و دیگر عمل امپریالیسم ، بلکه متوجه نیروهای ضد امپریالیستی شد . حتی آقای هاشمی رفسنجانی نظا هرات آزاد ساواکی ها در مقابل ساختمان نخست وزیری و دلجویی دولت مقتدر از آنان را فراموش نکرده است . او و یارانش واقفند که سرخلاف وده های که دایر به مجازات ساواکی ها به توده های دهها میلیونی شرکت کننده در انقلاب داده شده بود ، یکی از نخستین اقدامات رژیم احیای ساواک و استخدام ساواکی ها ، اینست دست پروردگان سیا بود . ارگانهای اطلاعاتی ج ۱۰ که به دست فرد وست ( رابط با سیا در

اطلاعاتی رژیم محول گردیده ، ادامه سیاستی است که از روزهای نخست اوج جنبش انقلابی به چماق دارانی به نام حزب الهی و نفوذی های ساواکی در درویشان و گذار شده پیسود . در اظهاریه ۳ بهمن ماه ۵۷ هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون اعمال استبداد رأی از جانب بخشی از نیروهای محرکه جنبش که تجلی انحصار طلبی و تحمیل خواست و عقیده خود به دیگران از همان آغاز بود ، چنین گفته می شده :

" متأسفانه کوشش برخی از مبارزان که زیر پرچم جهان بینی اسلامی ، در نبرد ملی و دمکراتیک خلق شرکت می کنند ، در این جهت شدت یافته که از ابراز عقیده و نظر و اقدام نیر و های ملی و دمکراتیک جلوگیری کنند . این

## باز آن سرود ، آن گردباد

از پهنه های پرطیش  
بی تاب اما پرکشش  
باز آن صدای آشنا  
از دور می خواند مرا .

باز آن سرود ، آن گردباد  
از خانه می روید مرا  
در کوچه می راند مرا  
هر گوشه می گوید مرا  
این سوی و آن سو می برد  
مشتاق عطری آشنا  
دنیا آن بو می برد  
هر دم که می افتم زبا  
باز آن نوای نازنین  
مفرور می خواند مرا .

آن کوهه کوهه موج موج  
سر در نشیب رو به اوج  
با جان می آمیزد مرا  
در بحر می ریزد مرا  
تا عاقبت در ساحلی  
فارغ ز خیز و خوابها  
شاداب بنشانند مرا .

تا عاقبت در ساحلی  
شاداب بنشانند مرا  
آن بحر گویا بی صدا  
پرشور می خواند مرا .

سیاوش کسرائی

را به ثبوت می رساند . ما یارها با ارائه دلایل انکار ناپذیر گفته ایم و یاز تزار می کنیم ، محاکمه حزب توده ایران در پیدادگاه های رژیم هیچ گونه ارتباطی با اتهامات مطروحه در جریان به اصطلاح دادرسی نداشته و ندارد . ما دانسته مسئله محاکمه حزب توده ایران را مطرح می سازیم . زیرا سران ج ۱۰ نه اعضای حزب ما ، بلکه خود حزب توده ایران ، نظرات عقیدتی و سیاسی آن را به پشت میز محاکمه کشاند ه اند . آنها با این عمل همان راهی را پیش گرفته اند که فاشیست های هیتلری در سالهای نخست قبضه انحصاری حاکمیت ، پیمودند .

چندی پیش بشریت مترقی پنجاهمین سالگرد محاکمه گورگی دیستروف یکی از شخصیت های برجسته جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و میهن دوست بنام بلغارستان را که به اتهام واهی آتش سوزی در رایشستاگ ، در شهر لایپزیک جریان یافت ، برگزار کردند . در آن ایام نیز هدف فاشیست های هیتلری محرم ساختن میلیون ها زحمتکش آلمانی از یگانه حزب مدافع مناقح توده های دریند سرمایه بود . آنها هم مانند سران ج ۱۰ می کوشیدند تا " ضربه سختی " به نهضت کمونیستی و کارگری وارد سازند ولی نتیجه چه شد ؟ این ، در درجه اول کمونیست های جهان بودند که با فداکاری و از خودگذشتگی بی نظیر فاشیسم را به زباله دان تاریخ سپردند . اینکه سران ارتجاعی ج ۱۰ در این مورد مشخص پا در جای پای هیتلر و یارانش گذارد ه اند ، تردیدی نیست . ولی آنها برای پوشش این همسانی آشکار ، محاکمه انسانها را به اتهام گراندهی یا سماجت نفی می کنند . در این مقطع مصاحبه اخیر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با مجله " صوت الخلیج " جلب نظر می دند ( اطلاعات ، ۳۰ آذر ماه ۶۲ ) .

وی در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله دایر براینکه چرا ج ۱۰ " سعی خود را در سرکشی جریانهای فکری مخالف به کار می گیرد " بدون این که خم بر ابرو آورد گفت :

این نیز یکی از روشهایی است که دشمنان انقلاب رواج می دهند . نگاهی به تاریخ پنجسال گذشته بیفتید خواهید دید در ابتدا تمام احزاب از راستگراترین تا چپ روترین آنها آزادانه به فعالیت مشغول بودند . . . .

آقای هاشمی رفسنجانی سفیطمه می کند : برای درک این واقعیت که چرا اکنون این رژیم رور تافته از خلق سرکوب جریانهای فکری و اقبا انقلابی و مترقی چپ ( نه جریانهای ضد انقلابی راست ) را به سیاست عمومی خود تبدیل ساخته است ، باید به ریشه آن در جریانهای قسری و مشکوکی مراجعه کرد ، که در جریان انقلاب به همین شیوه ها متوسل می شدند .

وظیفه سرکوب نیروهای انقلابی چپ ، که امروز به عمال سیا و انتلیجنت سرویس در ارگانهای



# چگونه حقایق را تحریف می‌کند

بقیه از صفحه ۸  
 دوران شاه ( به وجود آمد بلافاصله دست‌اندرکار گردیدند و اواسط مرداد ماه ۱۳۵۸ حملات بی‌دری گروههای حزب اللهی-مجهز به "و-۳" به دفتر توده‌های ما، مجاهدین و فدائیان در سراسر ایران آغاز و بدینسان زمینه نقض یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب، فراهم آمد. رئیس مجلس شورای اسلامی در مصاحبه خود بی‌پروا و با زیر پا گذاشتن آنچه در خطبه‌های نماز جمعه به عنوان "اخلاق اسلامی" تبلیغ می‌کند، علت یورش فاشیستی به احزاب و سازمان‌های ضد امپریالیستی را به اصطلاح نزدیکی با بیگانگان معرفی می‌کند. می‌گویند آفتاب را نمی‌توان به گل اندود. حقایق سرسخت‌تر از آنست که بتوان آنها را با سفسطه و دیروغ از افکار عمومی پنهان داشت. زدن پرچم "وابستگی" و "جاسوسی" به نیروهای میهن دوست و مترقی ابتکار سران ج ۱۰ نیست. در کشورهای آمریکای لاتین، آنجا که رژیم‌های فاشیستی حکمرانی می‌کنند و هیئت‌های حاکمه قادر به حل معضلات اجتماعی نیستند سالهاست از این حربه کثیف بهره می‌گیرند.

آقای هاشمی رفسنجانی پس از آنکه همسه احزاب و سازمانهای چپ را در ارتباط بسا بیگانه اعلام می‌کند به سرقت حزب توده ایران می‌رود و می‌گوید، مثلا حزب توده ایران: "تا چند وقت پیش آزادانه به فعالیت سیاسی می‌پرداخت و تا حدی موفق هم بود، زیرا مثل دیگران به خشونت روی نیاورده بود...". گرچه وی تمام حقیقت را بازگو نمی‌کند، با وجود این آنچه بر زبان جاری ساخته، اعتراف جالبی است. در این که حزب توده ایران به مثابه یک نیروی سیاسی مؤثر و مدافع منافع زحمتکشان، در از خشونت در افشای ماهیت ضدانقلاب و مسخ کنندگان انقلاب موفق بود، تردیدی نیست. ولی ادعای اینکه حزب ما تا چند وقت پیش آزادانه به فعالیت سیاسی می‌پرداخت با واقعیت در تضاد است. این چگونه آزادی است که دفتر حزب در سراسر کشور تاراج می‌شد، ارگان مرکزی توقیف بود، اعضایش روانه سیاه چالها می‌گردیدند و در مواردی حتی به جوشه‌های اعدام سپرده می‌شدند؟ حتی اگر فرض شود که رئیس مجلس شورای اسلامی دیروغ نمی‌گوید و حقایق را تحریف نمی‌کند، باید پرسید: علت یورش فاشیستی به حزبی که فعالیت سیاسی در از خشونت داشت چه بود؟ وی د و علت ارائه می‌دارد - تشویق کارگران به اعتصاب و به اصطلاح جاسوسی.

## علل یورش وحشیانه به حزب توده ایران

در قطعه‌نامه پنجم هجد هم کمیته مرکزی حزب توده ایران گفته می‌شود:  
 "یورش سبعانه رژیم به حزب توده ایران، زندانی کردن هزاران نفر از اعضا آن و غیره

قانونی اعلام نمودن فعالیت حزب ما کوچکترین ارتباطی با اتهامات سخیف ساخته و پرداخته ارگان‌های اطلاعاتی رژیم نداشته و ندارد. بیگانه‌علت را باید در حقایق است و اصلت جهان - بینی ما، در جذابیت آن، در باور روز افزون زحمتکشان و روشنفکران میهن دوست به نظرات، پیشنهادات و برنامه‌های علمی و علمی ارائه شده از جانب حزب توده ایران پیکاری کرد. اینست آن حقیقت انکار ناپذیر که حتی دشمنان ما ناآگاه بدان صحنه می‌گذرانند. وقتی آقای رفسنجانی می‌گوید حزب توده ایران در فعالیت سیاسی خود موفق بود، منظورش جز تصدیق گفته‌های ما نمی‌تواند باشد. بیگانه علت یورش وحشیانه به حزب توده ایران را باید در نقش روشنگری آن، در دفاع حزب از منافس کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، در افشای ماهیت واقعی جناح‌های ارتجاعی و عمال امپریالیسم، در مبارزه پی‌گیر و بی‌امان علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا جستجو کرد، که رئیس مجلس آن را در قالب "تشویق کارگران به اعتصاب" خلاصه می‌کند.

روزنامه "اطلاعات" در سرمقاله ۳ دیماه ۱۳۵۸ ضمن تشریح رسالت مجلس جوانب دیگر فعالیت حزب را مطرح می‌سازد. سرمقاله نویسنده "اطلاعات" با اشاره به اعضا در بند حزب توده ایران که از آنان به نام "منادیان مکتب های الحادی" یاد می‌کند، گناهان بسیار بخیشودنی آنان را به ترتیب زیرین برمی‌شمارد: اولاً آنها "بزرگان وارسته بسیاری را امواج حملات خود می‌ساختند؛ ثانیاً "چه بسا یاران امام را زیر سوال برده و منزوی می‌کردند؛ ثالثاً، "آتش اختلافها و درگیری‌ها و دسته بندی‌ها را دامن می‌زدند."

نویسنده سرمقاله "اطلاعات" که سعی کرده از تکرار اتهامات سخیف "جاسوسی" پرهیز کند، پس از شمارش این موارد نتیجه می‌گیرد:  
 "اما در آن میدان نیز حقیقت هیچگاه در زیر میخ باطل پنهان نماند" و درست در لحظاتی که "بازیگر" نقش آفرینی می‌کرد، امت مسلمان و بیدارگران مؤمن به اصطلاح شعبده‌اش را افشا نمودند.  
 سرمقاله نویسنده "اطلاعات" صریحاً می‌نویسد که علت یورش فاشیستی به حزب توده ایران زاید در فعالیت سیاسی حزب در زمینه دریدن نقاب از چهره ارتجاع و عمال امپریالیسم، در هرکسوتی وزیر هر نامی و شناساندن آنان به توده‌های زحمتکش دانست.

چنین است "گناهان" عمده حزب توده ایران. و اما آنجا که نویسنده، حزب ما را به دامن زدن آتش اختلافها و درگیری‌ها و دسته بندی‌ها متهم می‌سازد و این را شعبده بازی حزب قلمداد می‌کند، دروغ می‌گوید. اختلاف و

درگیری و دسته بندی بین جناح‌های گوناگون روحانیت که تظاهر اختلافات طبقاتی در جامعه است، دارای سابقه چندین صدساله است که پس از دست‌یابی روحانیون به حاکمیت سیاسی تشدید یافت.

آیا پس از یورش به حزب توده ایران اختلاف درون حاکمیت پایان یافت؟ اگر چنین می‌بود چه لزومی به صدور "فرمان" نوتی دایره به منسوخ انتقاد از دولت و فراخواندن جناح‌های درگیر به وحدت داشت؟

آقای مجید انصاری در سخنرانی پیش از دستور جلسه ۲۹ آذرماه مجلس ضمن توضیح پیرامون "فرمان" جدید اظهار داشت: "آیا طبیعی است ۲۰۰ در شرایطی که پیش از هر زمان دیگر، نیاز به ثبات اقتصادی داریم ناکهان از بیسوت علما و یا قلم فضلاء مسئله مشروعیت و عدم مشروعیت مالیات مطرح می‌گردد؟ و هم زمان در طریق دسیسه بازی‌های مرمز، هر روز مسئله‌های جدید به وجود آید؟ و دولت سرگرم حل این مشکل است که مشکل دیگری را بتراشند؟"

وی سپس می‌پرسد، آیا همه اینها حلقه‌های به هم پیوسته یک توطئه حساب شده از سوی استخبار جهانی نیست؟

آری، آنچه وی برشمرده توطئه امپریالیسم و عمال آن در حاکمیت ج ۱۰ است. "گناه" ما آن است که کوشیدیم ما "علما و فضلاء" عمال امپریالیسم و مدافعان کلان سرمایه‌داران و بزرگان مالکان را با اسم و رسم به مردم معرفی کنیم تا دست را از دشمن تمیز دهند. ولی آقای انصاری نه تنها از بردن نام میهن فروشان هراس دارد، بلکه برای تیره دلت از مقابله آن با حزب توده ایران از "نظر فکری و سیاسی" و روانه کردن اعضا آن به "زندانیهای ج ۱۰" سخن به میان می‌آورد و حتی به خود اجازه می‌دهد بگوید که با این اقدام ضد انسانی گویا بیشترین ضربه "در سطح جهانی (!) بر حیثیت و اعتبار مکتب های کمونیستی" وارد شده است. به دیگر سخن حزب توده ایران می‌بایست غیر قانونی اعلام گردد تا خاطر شیطان بزرگ "مزدوران محلی آن از" خطر کمونیسم "آسوده باشد."

چنین برخورد هائی تعادلی نیست. و در راستای همان توده‌های ستیزی و کمونیسم ستیزی است که برای سرکوب هرگونه نهضت ضد امپریالیستی در کشور ما بارها زوشده است. آنچه در مرحله کنونی جلب نظر می‌کند، همسانی نظرات برخی از مسئولین ج ۱۰ و رواند ریگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا است. ۸۰ ژوئن سال ۱۹۸۲ ریگان طی سخنرانی در پارلمان انگلستان به هنگام اعلان "جنگ صلیبی" علیه سوسیالیسم و کمونیسم از جمله گفت:

"بیاثید تردید به خود راه ندهیم. بیاثید از قدرت خود برای تبدیل مارکسیسم - لنینیسم به خاکستر باقیمانده از حریق تاریخ استفاده نکنیم." بلافاصله پس از این سخنرانی ریگان عمال امپریالیسم در سراسر جهان با الهام از استناد

# مردم مترقی جهان: احکام صادره علیه...

بقیه از صفحه ۳

## فرانسه

هیأتی مرکب از شارل لیمون، سناتور کمونیست، دانیل وگه، رژی کاستنیو و کلود پرود، حقوقدان روز سه شنبه، ۷ فوریه (۱۸ بهمن) نامه‌های تسلیم سفارت ایران در پاریس کردند. این نامه که به امضای " کمیته " فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران " سازمان " سیماد " و " کلوب سوسیالیستی حقوق بشر " رسیده، صدور احکام جابرانه علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران و آزادی کسب زندانیان سیاسی مترقی خواسته شده است.



ت. و. ت. ( کفدراسیون عمومی کار فرانسه ) نیز نجات جان محکومین به اعدام و پایان دادن به محاکمه مبارزین به جرم دگراندیشی را طلب کرده است.

اخبار فوق در روزنامه " اومانیته " ارگان حزب کمونیست فرانسه درج گردید.

● " انجمن فرانسوی حقوقدانان دیکرات " در تاریخ ۹ فوریه ( ۲۰ بهمن ) بیانیه‌ای منتشر نمود که طی آن به محکومیت‌های سنگین علیه متهمان دادگاه نظامی ارتش ج ۱۰ اشاره شده و این احکام به شدت مردود و مغایر با مواد ۶۵ ، ۸۷ ، ۹۶ ، ۱۰۱ و ۱۱ ( بند اول ) ، اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز جزو امضا کنندگان آن است، شناخته شده است.

در این بیانیه همچنین آمده است: " ما در برابر این بی‌عدالتی‌ها ، کلیسه " اعضای انجمن و نیز همه " آزادی خواهان و کسانی را که به موازین حقوق بشر پایبندند ، فرا می‌خوانیم تا بر اعتراضات خویش نسبت به این اعمال افزوده و با مراجعه به مقامات مسئول ج ۱۰ ، نجسات جان محکومین به مرگ و رعایت حقوق قانونی و انسانی را در این کشور ، خواستار شوند . "

● ت. و. ت. ( کفدراسیون عمومی کار فرانسه ) در تاریخ ۲۳ ژانویه ( ۳ بهمن ) ، بیانیه‌ای مطبوعاتی ، به امضای بی‌یرژانسوس ، دبیرسندیکا منتشر ساخته و طی آن به احکام صادره دادگاه های نظامی علیه افسران میهن دوست ، شدیداً اعتراض نموده است .

سندیکا ضمن جلب توجه سازمان‌های کفدراسیون و افکار عمومی نسبت به جانماتی که در آینده علیه اعضای حزب توده ایران برگزار خواهد شد ، لغو محکومیت‌های سنگین و آزادی کلیه زندانیان توده‌ای را خواستار شده است .

صدور احکام جابرانه علیه افسران میهن دوست - پیوسته در صفحه ۱۱

با آنان و بررسی وضع ایشان از نزدیک ، پافشاری نمودند .

● سازمان حزب کمونیست آلمان در بوخوم نیز ، اعمال رفتار وحشیانه در مورد اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده ، از کلیه احزاب و سازمانهای مترقی شهر خواسته است با تشدید اعتراضات خود ، جان مبارزین در بند را از خطر برهانند . سازمان همچنین ، ضمن مراجعه به دولت آلمان ، خواسته است که در امر اعزام هیأت ناظری به ایران ، جهت بررسی وضع زندانیان اقدام نماید و در پایان آزادی اعضای حزب توده ایران و پایان دادن به پیگرد و تضيیقات علیه نیروهای دمکرات را در ایران خواستار شده است .

● هیأت رئیس " اتحادیه ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازی ها قرار داشتند " ، ضمن انتشار بیانیه‌ای مطبوعاتی به تاریخ ۲۳ ژانویه ( سوم بهمن ) ، تحت عنوان " خطر جان میهن دوستان ایران را تهدید می‌کند " ، نسبت به احکام صادره از طرف بیدادگاه‌های نظامی علیه افسران و برخی از اعضای حزب توده ایران ، شدیداً اعتراض کرده است . این اتحادیه ، ضمن مقایسه مجدد اعمال رژیم ایران با پیگسرد کمونیست ها از طرف نازیها ، یارد یگر کلیسه دمکرات ها را به اقدامات سرخ ، جهت محکوم کردن احکام جابرانه بیدادگاهها و نجات جان زندانیان فراخواننده است .

● مسئولین حزب سبزها در دارلسروه ، در تاریخ ۲۳ ژانویه ( ۳ بهمن ) ، نامه‌ای به سفارت ج ۱۰ ، در بن ارسال داشته و ضمن آن نسبت به تضيیقات وارده علیه نیروهای دگراندیشی و اختناق حاکم بر ایران ، شدیداً اعتراض کرده اند . آنان از مقامات مسئول ج ۱۰ خواسته‌اند موازین حقوق بشر را در ایران رعایت نمایند ؛ تریبی دهند که محاکمات علیه اعضای حزب توده ایران به صورت علنی و با شرکت ناظران بین المللی انجام پذیرد و کلیه زندانیانی که به جرم دگراندیشی بازداشت شده‌اند ، آزاد گردند .

سازمان‌های دیگری که در آلمان فدرال نسبت به اعمال تضيیقات علیه اعضای حزب توده ایران و سایر دگراندیشان اعتراض نموده ، از خواسته‌هایی نظیر خواسته‌های بالا پشتیبانی کرده‌اند ، به ترتیب زیرند :

● انجمن ترکها در فرانکفورت . جمعیت صلح کاسل . اتحادیه صلح آلمان در شهرهای هایدلبرگ و دارلسروه . کمیته " ضداپریالیستی هایدلبرگ " کمیته‌های همبستگی با ایران در رکن الدنبروک ، هامبورگ و برمن . حزب سوسیال دمکرات آلمان ، شعبه کویتنگن . نمایندگان دانشجویان دانشگاه اولدنبرگ . اتحادیه ضد فاشیست ها در شهرهای دارلسروه ، برمن و کویتنگن . سازمانهای حزب کمونیست آلمان فدرال در شهرهای کاسل و مانهایم .

ضمن بازدید از غرفه " مشترک هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) خماینست خود را از زندانیان توده‌ای اعلام داشتند .

در پایان این مراسم ، قطعنامه‌ای صادر شد که در آن محاکمات فرمایشی و احکام جابرانه دادگاه‌های نظامی علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران ، محکوم و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی خواسته شده بود .

● طی تظاهراتی که در همین روز ، علیه استقرار موشک های میان برد در اروپا به ابتکار فعالین جنبش صلح آلمان فدرال در برمن برپا شد ، تعدادی از تظاهرکنندگان با حمل پلاکارتهای اعتراضی نسبت به بازداشت ، شکنجه و قتل اعضای حزب توده ایران و مردود شمردن احکام غیرقانونی دادگاه‌های نظامی علیه آنان و افسران میهن دوست ، توجه شرکت کنندگان در این گرد هم آیی بزرگ را به خود جلب کردند . هواداران حزب توده ایران نیز در برمن ، با پخش اعلامیه ، به افشای جنایات رژیم دست زدند .



● " حزب سوسیال دمکرات آلمان " و " اتحادیه ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازیها قرار داشتند " در کویتنگن ، طی امضای نامه‌ای به تشدید جو اختناق و فشار در ایران ، علیه نیروهای مترقی ، تحت نام " اسلام " و بیهوده و بی‌نیت به بازداشت ، شکنجه ، محاکمات نمایشی و اعدام اعضای حزب توده ایران ، تحت پوشش " خودکشی " ، شدیداً اعتراض کرده‌اند . آن‌ها این اعمال را با متدهائی که در دوران سیاه فاشیسم ، به دست گشتاپو علیه نیروهای مترقی انجام می‌گرفت ، مقایسه کرده و ضمن مطرح کردن خواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی در ایران ، بر امر اعزام هیأتی به ایران جهت ملاقات

# در تظاهرات اعتراضی نیروهای مترقی اعلام شد:

## «به شکنجه کودکان، زنان و مردان خاتمه دهید!»

روز چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۶۲ (اول فوریه ۱۹۸۴) به دعوت تشکیلات دمکراتیک زنان ایران (بخش برلن غربی) و زنان عضو "کفرانس مسیحی صلح" تظاهراتی اعتراضی علیه پیگرد و سرکوب زنان دمکرات و سایر میهن دوستان ایرانی در برلن غربی برپا شد.

تظاهر کنندگان با حمل شعارهایی چون "به سرکوب زنان دمکرات و سایر میهن دوستان ایرانی خاتمه دهید" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به طرف محل سرکسولگری ج ۱۰۱۰ در این شهر حرکت کردند. در طول مسیر تظاهرات اعلامیه‌ای بین عابریین توزیع شد که در آن تظییقات بی شمار رژیم ج ۱۰ نسبت به زنان میهن ما و پیگرد، سرکوب و شکنجه میهن دوستان ایرانی افشا و محکوم شده بود.

تظاهر کنندگان پس از رسیدن به محل کسولگری با تجمع و دادن شعارهایی چون "به شکنجه کودکان، زنان و مردان خاتمه دهید"، "زندانیان سیاسی را آزاد کنید" و "نایدید باد ارتجاع حاکم برج ۱۰" انزجار خود را نسبت به آنچه که در میهن ما می‌گذرد، نشان دادند. سپس خانم "کریستین رول" نماینده "کفرانس مسیحی صلح" به سخنرانی پرداخت و ضمن محکوم نمودن اعمال وحشیانه حکام ج ۱۰ نسبت به میهن دوستان ایران اعم از زن و مرد، همبستگی سازمان خود و سایر نیروهای مترقی را با مبارزات به حق مردم ایران در راه استقلال و دمکراسی مورد تأکید قرار داد. پس از آن نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در برلن غربی قطعنامه میتینگ را که در آن به وضع

دشوار زندگی زنان زحمتکش ایران و رفتار وحشیانه دمکریمان ج ۱۰ نسبت به زنان زندانی و سایر میهن دوستان در پند اشاره شد. میهن دوستان در خاتمه میتینگ این قطعنامه از طرف دو تن از زنان مترقی برلن غربی تسلیم مقامات سرکسولگری ج ۱۰۱۰ شد. سازمانهای زیر حمایت خود را از این تظاهرات اعلام داشته بودند:

- لیگای بین المللی زنان برای صلح و آزادی
- اتحاد دمکراتیک زنان برلن غربی انجمن زنان ترکیه در برلن غربی
- کمیسیون زنان عضو حزب متحده سوسیالیستی برلن غربی
- جامعه دانشجویان پروتستان دانشگاه آزاد برلن غربی
- کمیته دفاع از حقوق زن در برلن غربی
- هواداران سازمان آزادی بخش فلسطین در برلن غربی
- اتحادیه دانشجویان عراق در آلمان
- فدال و برلن غربی
- جنبش ضد آپارتاید (بخش برلن غربی)
- لیست آلترناتیو (سبزها)
- شعبه مربوط به خارجیان
- گروه زنان عضو انجمن دمکراتیک یونانیان مقیم برلن غربی

● شعبه زنان اتحادیه سند پناهای کارگری سراسر آلمان فدال در کوتینگن و مسئول دیوایر مذ هبی منطقه جنوب کوتینگن، طی امضای بیانیه ها و ارسال کارت‌های اعتراضی به مقامات مسئول ج ۱۰، رفتار وحشیانه زندانیان ایران را بیایان زنان مبارز در ایران، شدیداً محکوم کردند و پایان دادن به پیگرد ها، بازداشت و شکنجه اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان و سایر دمکرات ها و آزادی فوری آنان را خواستار شدند!

# مردم مترقی جهان: احکام صادره علیه...

بقیه از صفحه ۱۰

دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران در مطبوعات فرانسه، انعکاس گسترده‌ای داشته است و نشریات مترقی زیر، ضمن درج این خبر و تفسیرهای مفصل در این زمینه، پیرامین این احکام تا عا دانه اعتراض کرده‌اند. این نشریات طی فراخوانی از نیروهای مترقی خواسته‌اند، به منظور لغو احکام صادره، اقدامات لازم را به عمل آورند:

- اومانیته، اومانیته دیمان، مارسی
- لیبراسیون
- "انجمن کلیسای تعاون"، "جمعیت مسیحیان برای الغای شکنجه"، "سازمان سوسیالیستی حقوق بشر"، "جمعیت فرانسوی حقوقدانان دمکرات" و "کمیته فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران" طی صدور بیانیه مشترکی به تاریخ ۳۰ دسامبر (۹ دی ماه)، ضمن افشای جریان محاکمات افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران در دادگاه‌های در بسته نظامی در مورد نتایج محاکمات ابراز نگرانی کرده‌اند. آنان ضمن بر شمردن دلایل زیر، دادگاه‌ها را غیرقانونی دانسته‌اند:

- ۱- شرایط حبس و بازجویی زندانیان، کاملاً مغایر با موازین حقوق بشر بوده است.
- ۲- متهمان از حق داشتن وکیل محروم بوده‌اند.

- ۳- حضور ناظران و خبرنگاران مطبوعات خارجی در جلسات دادگاه ممنوع بوده است.
- ۴- امضاء کنندگان بیانیه به محاکمات غیر علنی و هر آنچه که باعث نقض آزادی عقیده در ایران می‌شود، شدیداً اعتراض کرده و کلیه سازمان‌ها و نهاد های مترقی مدافع حقوق بشر را فرا خوانده‌اند تا تمام تلاش خود را جهت نجات جان زندانیان، به کار برند و دولت ایران را به برپائی دادگاه‌های واقعا علنی، وادار سازند.

در شماره ۳۱ مجله "رسالته العراق" که توسط شعبه خارج از کشور حزب کمونیست عراق منتشر می‌گردد، نیز مقاله‌ای تفصیلی در مورد رویداد های اخیر ایران و کارزار توده‌های ستیزی به چاپ رسیده است که طی آن به ویژه وضعیت اسفناک اعضای حزب در زندان‌ها و شکنجه‌ها و قتل آنان بررسی شده و از جمله به سرنویست نامعلوم رفیق احسان طبری که در اثر شکنجه‌های وحشیانه و زخم‌های حاصل از آن به بیمارستان منتقل شد، گردیده بود، اشاره شده است.

روزنامه در پایان تصریح می‌کند که حزب توده ایران، علی‌رغم ضربه وحشتناکی که متحمل شده، خواهد توانست، همراه با سایر نیروهای مترقی، به توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع علیه انقلاب چیره شود.

بقیه در صفحه ۱۵



## در هفته ای که گذشت:

### امپریالیسم آمریکا قصد دارد، تنگه هرمز را تحت کنترل نظامی خود در آورد!

در روزهای اخیر با تشدید جنگ ایسران و عراق، امپریالیسم آمریکا به بهانه جلوگیری از بسته شدن تنگه هرمز، تعداد دیگری از رزمناوهای خود را وارد خلیج فارس کرد. روزنامه "سندی تایمز" در این رابطه می نویسد: هم اکنون ۹ رزمناو آمریکایی در اطراف تنگه هرمز در حرکت اند.

افزایش حضور نظامی امپریالیسم در خلیج فارس هم زمان با اجلاس وزیران دفاع ۶ کشور عربی حوزه خلیج فارس در قطر باردیگر پرده از همکاری ها و تشریک مساعی امپریالیسم آمریکا و کشورهای مرتجع برداشت. وزیر دفاع کویت در بیان موضعگیری این کشورها اعلام کرد که بستن تنگه هرمز یک عمل خصمانه تلقی خواهد شد و باید با زور آن را خنثی کرد.

از سوی دیگری از شخصیت های بلند پایه واشنگتن علنا اعلام کرد که از سر گرفته شدن درگیری مسلحانه بین ایران و عراق به ایالات متحده آمریکا امکان می دهد، تا تنگه هرمز را تحت کنترل نظامی خود در آورد.

در چنین شرایطی است که سردمداران د و کشور ایران و عراق به "تور" این جنگ بسی سرانجام می دهند ویر دامنه تشنج در منطقه می افزایند.

امپریالیسم آمریکا هم چنان سیاست تحمیل و تحکم و دخالت در امور داخلی کشورها در منطقه خاور میانه و نزدیک و خلیج فارس را دنبال می کند. کنترل نظامی داخل خلیج فارس از جمله به بهانه جنگ ایران و عراق نیز همین هدف را دنبال می کنند.

### پروکودن صندلی وزارت، مشکلات بنیادی جامعه را از بین نمی برد!

در جلسه علنی اول اسفند مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر، وزیران جهاد سازندگی، اطلاعات و مسکن راه مجلس معرفی کرد. پس از سخنان موافق و مخالف نتایج آرا به ترتیب زیر: بیژن نامدار زنگنه با ۱۱۰ رأی موافق و ۱۹ رأی موافق و ۳۴ رأی متعصبه عنوان وزیر جهاد سازندگی رأی اعتماد گرفت. آراء اسماعیل فردوسی پور و محمدحسن تهرانی نژاد که به عنوان وزیر اطلاعات و وزیر مسکن معرفی شده بودند به حد نصاب لازم نرسید. آرای داده شده به ترتیب عبارت بودند از ۷۴ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۴۰ رأی متعصب برای اسماعیل فردوسی پور و ۷۸ رأی موافق و ۳۶ رأی مخالف و ۵۴ رأی متعصب برای محمدحسن تهرانی نژاد. این دو مین بار است که رئیس دولت ج ۱۰

می کوشد با معرفی وزرای جدید، جای خالی آنان را در کابینه پر کند. بار اول آقای رئیس جمهور "اشکال کار" را در عدم مشورت با مجلس دانست و این بار نیز قطعاً توجیهی برای سرپوش گذاشتن بر زد و بند ها و بازی های پشت پرده، سران ج ۱۰ وجود خواهد داشت.

اما آنچه مسلم است آنست که نه ترمیم کابینه، نه معرفی وزرای جدید و نه پذیرش یا عدم قبول آنان از طرف مجلس، بن بست را که سران ج ۱۰ با پیش گرفتن سیاست های انقلاب برانداز در برابر خود بنا کرده اند نخواهد شکست. حل معضلات و دشواری های هر شمارو بنیادینی که تنها و تنها از عهده "یک دولت انقلابی"، سیاست های مشخص و سود منافع مردم و به کمک آنان و نیروهای مترقی و طرفدار آرمانهای مردم می برمی آید، با پرکردن صندلی این و آن وزارتخانه ممکن نیست!

### قدرشناسی از ساواک!

در هفته گذشته، بررسی جزئیات لایحه نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مجلس شورای ادامه یافت. ما پس از تصویب تمامی مواد این لایحه، آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. آنچه در حال حاضر قابل تأمل جلوه می کند ماده ۵ و بند ۱ این لایحه است که بر چگونگی رسیدگی به اموال و دارایی دارمندان و منابع خبری ساواک نظارت دارد:

"ماده ۵: دادگاه موظف است رأساً نسبت به مشروعیت اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی در موارد زیر رسیدگی نموده و حکم مقتضی را صادر نماید ۱۰۰۰ - اموال دارمندان و منابع خبری ساواک منحله"

آقای رفسنجانی رئیس مجلس، به عنوان کسی که قدرشناس فعالیت های شبانگه ریزی و "سیستماتیک" ساواکی های به خدمت ج ۱۰ در آمده است، بلافاصله پیشنهاد حذف عبارت "منابع خبری" از بند یک این ماده را ارائه داد و در توضیح پیشنهاد خود گفت:

"۱۰۰۰ نوا افراد فقیر و کم بضاعت این کار را می کردند و حالا اگر ما برای آنها پرتو ده تشکیل بدیم، مخارج و وقت زیادی را خواهد گرفت و کار های اساسی (!) را فلج می کند ۱۰۰۰ کشاندن یک بخشی از مردم فقیر به دادگاه کارچندان خوبی نیست ۱۰۰۰" (اطلاعات - ۲۰ بهمن):

برخلاف ادعای آقای رفسنجانی، مطالبی به هیچ روی بر سر قف و بدبختی ساوانی ها نیست. رئیس مجلس به خوبی می داند به واسطه حضور همین "خبرچین" ها در جامعه، چگونه جیب سو ظن و وحشت و عدم اعتماد در میان مسدوم حاکم شده بود و ساواک چگونه با استفاده از همین "خبر" ها به شکار مبارزین می پردازد، آنها را به بند می کشید و تا زمانی که "اعترافات" شان

با "خبر" های رسیده از جانب این "مرد فقیر" مطابقت نمی کرد، زیر انواع و اقسام شکنجه های حیوانی تا سرحد مرگ، تحت فشار قرار می داد. چه بسا افراد مغرضی که با بهسر گیری از قدرت ساواکی بودن خود، "خرد محس های" شخصی شان را تصفیه می کردند. گزارشات خلاف آنان، خانواده های بسیاری به خاک سیاه می نشاند.

در واقع قلع از ساوانیها، زیر پوشش دفا از "مردم فقیر" و "فلج" شدن "کارها" اساسی، برای مردمی که خود داغ دید فعالیت های آنان هستند و عمری با این واقعا، گزینده و تلخ دست به گریبان بودند، به هیج روی قانع کننده نیست.

پس مطلب چیز دیگری است. آقای رفسنجانی با ارائه این پیشنهاد و تصویب آن از طس مجلس، نه تنها یک بار دیگر به شیوه "دولت مقتدر" بر سر ساوانی ها آب تظہیر می ریزد، بلکه ساواچائی های فعال در ارگان های سرکوب ج ۱۰ قوت قلب می بخشد که با اطمینان بیشتر و اعتماد به پشتیبانی همه جانبه دولت سردار، صاحب مقام و صاحب نفوذ رژیم به کار قلع و قمع مبارزین، اعمال شکنجه و سرکوب و برقرار کردن چه رعب و وحشت در میان مردم بپردازند. توده ها و فدائی ها و مجاهدین را در منگنه شکنجا خرد کنند و هر ندای حق طلبانه ای را با "پنجا آهنین" پاسخ گویند.

### تجدید قرارداد های شاهانه!

رادیو ایران، روز اول اسفند اعلام کرد: "قرارداد ساخت کوره های احیا" مستقیم مجتمع فولاد مبارکه که بزرگترین قرارداد تکنولوژی بعد از پیروزی انقلاب است بین ایران و ژاپن به امضاء رسید."

سردمداران ج ۱۰، به پیروی از تزلزلیرالی "چون وابسته بودیم، باید وابسته بمانیم" و پیگیری سیاست های انقلاب برانداز خود که به پیشه آنان بدل شده، یکی دیگر از قرارداد های اسارت بار زمان شاه را تجدید می کنند و بسیاری پوشاندن ابعاد قاچعه آمیز آن به لفاظی های عوام فریبانه متوسل می شوند و این خیانت مسلم و آشکار را "بزرگترین قرارداد تکنولوژی بعد از پیروزی انقلاب" می نامند!

واقعیت آنست که گفتگو در باره انعقاد قرارداد مجتمع فولاد مبارکه هنگامی که شاه ملعون در استراحتگاه خود - سن مریثس سوئیس - به سر می برد، صورت گرفت شرکت های چند ملیتی آمریکائی، آلمانی، ژاپنی و ایتالیائی به منظور وابسته تیسر کردن صنعت در کشور ما و غارت ثروت مردم پا پیش گذاشتند و با دلالتی دکتر امینی ها و مهدوی ها (وزیر بازرگانی وقت)، این قرارداد خیانت بار را - در ۱۷ خرداد ۵۳ در شهر رم - به امضاء رساندند. اجرای این طرح اسارت بار پس از انقلاب متوقف شد.

یکی از اشکالات اساسی این طرح علاوه بر تشدید وابستگی، شیوه "احیا" مستقیم کوره های این مجتمع است. به موجب اظهار نظر کلیه بقیه در صفحه ۱۳

### در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲  
 خبرگان و روشهای جدید احیای مستقیم ایمن تکنولوژی، مشکلات فنی و تنگناهای متعدد دی به بار می آورد که بهره برداری از آن با زاین همراه خواهد بود. امروزه در قطب های غیر وابسته و صنعتی جهان، معمولاً از سیستم کوره بلند و فولاد سازی با اکسیژن استفاده می شود.  
 تجدید قرارداد های شاهانه ای از ایمن دست، يك بار دیگر ثابت می کند که سرد میدان ایران ج ۱۰، در جهت احیاء وابستگی به امپریالیسم به هر قیمت و به هر طریق از هیچ کوششی کوتاهی نمی کنند!

### مالکین در صحنه!

به رغم عوام فریبی ها و تضییقاتی که سرمداران ج ۱۰، با کمک پاسداران مسلح و " مسئولین نظامی " در حق روستائیان زحمتکش میهن ما اعمال می کنند، دامنه اعتراضات و دادخواهی های آنان گسترده تر می شود.  
 در هفته گذشته، روستائیان قریه درب گنبد کوهدشت لرستان که از مناطق حاصلخیز کشور ماست و ساکنین آن حتی در زمان رژیم شاه ملعون نیز مسلح بودند، در برابر " زورگویی ها " و حق کشی های مالکین بزرگ آن منطقه، مسلحانه به مقاومت برخاستند و از باز پس دادن " زمین های بایر "ی که به همت خود روستائیان، به اراضی دایر تبدیل شده خود داری کردند.  
 مقاومت مسلحانه روستائیان در برابر این تضییقات آن چنان بالا گرفته که مقامات مسئول طبق معمول به تشنه راه چاره یعنی کمک خواستن از " مسئولین نظامی و انتظامی " کیهدشت توسل جستند و روستائیان رنج دیده و وحسوق خواه این قریه را با زور سرنیزه و ارباب و تهدید " ساکت کردند ".  
 نماینده کوه دشت در مجلس، از ایمن مسئولین نظامی و انتظامی " به خاطر بیسه نمایش گذاشتن قدرت خود " تشکر می کند " و از روستائیان " تقاضا می دند به قوه قضائی اجازه رسیدگی " بدهند!

" ... از مسئولین نظامی و انتظامی کوه دشت به خاطر جلوگیری از بروز يك حادثه تلخ تشکر می کنم و از کشاورزان درب گنبد تقاضا می کنم، شخصاً اقدام و برخوردی نکنند و منتظر رسیدگی و رأی محاکم قضائی باشند ..."  
 ظاهراً آقای عباسی فرد فراموش کرده اند چندی پیش آقای موسوی اردبیلی، بالاترین مرجع قضائی کشور، از جانب شورای عالی قضائی نامه ای خطاب به رئیس مجلس نوشت و در آن از " مزاحمت " روستائیان سخن گفت و صریحاً اعلام کرد:  
 " برخورد با این مسائل و حل مشکل زمین و تعیین سیاست زمین داری و زراعت جز وظایف

قوه قضائی نبوده است "

و :  
 " به دبیر خانه دستور داده شد، منبع د کلیه مکاتبات در این زمینه را به نخست وزیر ارسال کنند تا به وسیله مرجعی که صالح می دانند مورد اقدام قرار گیرد " ( اطلاعات - ۳ بهمن )  
 اکنون که يك ماه از اعلام این " سلب مسئولیت " می گذرد، هنوز ترکیب این " مرجع صالح " مشخص نشده است. ولی آقای دکتر زالی، وزیر کشاورزی، به نوبه خود راه حل رفع این " بلا - تکلیفی " را اینگونه ارائه می دهد:  
 " مسئله زمین ابعادی دارد. یکی از آنها بیلتکلیفی اراضی است. در این زمین ها اختلافی بین مالک و زارع وجود دارد و یا مالک اصلاً در صحنه نیست ... انشا الله تکلیف مالکیت معلوم می شود تا مردم بتوانند در قسمت کشاورزی، با خیال راحت سرمایه گذاری کنند.  
 البته این موضوع با برادر موسوی اردبیلی و برادران نماینده مجلس در میان گذاشته شده است." در واقع آقای وزیر کشاورزی که راه حل مسئله مالکیت زمین را حضور هر چه بیشتر " مالک در صحنه " می داند، با اعلام جلب نظر مجلس و رئیس دیوان عالی کشور، روستائیان را به مبارزه می طلبد. پاسخ آنان روشن است!  
 سلیمان فلاح یکی از اهالی روستای زکی آباد می گوید:

" در این روستا، زمین های بایر زیادی وجود داشت که مالک آنها را رها کرده و همین طور بلا استفاده مانده بود. خوش نشینان روستا، با کمک هیئت هفت نفره واگذاری زمین، زمین ها را دایر و این زمین ها حدود ۴۰۰ هکتار بود که فعلاً در آنها گندم و چغندر کشت می شود. چندی است سروکله مالک پیدا شده. نزد هیئت هفت نفره شکایت کردیم حق را بسه جانب ما داد. ولی گفت کاری از دستش ساخته نیست! البته تا به حال با کمک اهالی، مالک ده نتوانسته است کاری از پیش ببرد." ( کیهان - ۱۲ بهمن )

درگیری مسلحانه در قریه درب گنبد نمونه ای از پاسخ روستائیان است!

### باز هم دروغ!؟

" به خاطر بالا رفتن درآمد مردم، مخصوصاً کارگر و مزد فراوان تری که امروز می گیرند، طبقه پایین، قدرت خرید مردم بالا رفته است " (رفسنجانی، نماز جمعه پنجمین سالگرد انقلاب )  
 این سخن در شرایطی گفته می شود که سختی تأمین معیشت مردم حتی مشاغل کارگری نخست وزیر را نیز وادار به بیان بخشی از حقایق کرده است:  
 " امروزه بینیم که با حداقل حقوق، تقریباً کسی نمی تواند يك معیشت حداقل هم داشته باشد " ( کیهان ۱۸/۱۱/۶۲ )

### پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به ...

بقیه از صفحه ۱  
 متشکر است. ما به شما اطمینان می دهیم، نا رزار تبلیغاتی ای که پارهای از محافل رجاعی به تبعیت از امپریالیسم تجاویز کار آمریکا علیه دوست و همسایه نزدیک مردم ایران در کشور ما برپا کرده اند، نخواهد توانست در اراد همین - دستان ایرانی که خواجگان بهبود و گسترش همه جانبه مناسبات میان ایران و اتحاد شوروی هستند کوچکترین خللی وارد آورد.  
 مردم میهن ما به خوبی واقفند که در ایمن لحظات سرتوش ساز و حساب تاریخ کشور ما، حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی همیشه و در همه موارد، دست دوستی به سوی مردم ایران دراز کرده و نقش مهمی در حفظ استقلال میهن ما ایفا نموده اند.  
 ما به شما اطمینان می دهیم که در آینده نیز مانند گذشته، با تمام قوا خواهیم کوشید تا رشته های دوستی و مودت بین حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی را مستحکم تر سازیم و در راه تحکیم حسن همجواری بین خلق های ایران و اتحاد شوروی از هیچ کوششی فرو گذار نکنیم.

ما اعتقاد راسخ داریم که مردم قهرمان اتحاد شوروی، تحت رهبری حزب پرافتخار لینین به پیروزی های جهانشمول در لویه عرصه های ساختمان جامعه کمونیستی، در رفع خطر جنگ هسته ای، در تأمین صلح و تنش زدایی در سراسر جهان، نائل خواهند آمد.  
 ایفای مسئولیت عظیمی که در راه شکوفایی و تحکیم قدرت اتحاد شوروی، - این ضامن سعادت مردم شوروی و صلح جهانی به عهده دارید از صمیم قلب آرزو مندیم!

### زنان کارگر به دفاع از ...

بقیه از صفحه ۷  
 صنفی و طبقاتی زحمتکشان را منعکس می کردند و به دفاع از حقوق ویژه زنان کارگر می پرداختند. به همراه همه کارگران مرد وزن شاهد تعرض لجام گسیخته حاکمان ج ۱۰، بر دستاورد های انقلاب اند.  
 خیانت رهبران ج ۱۰ به اهداف انقلاب و منافع زحمتکشان يك بار دیگر محیط های کارگری را بر جنب و جوش کرده است. هسته های انقلابی از زنان و مردان آگاه کارگر در کارخانه ها به افشا، توطئه ها و دسایس سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنان می پردازند. زنان کارگر، به مثابه جزء جدانشدنی نا پذیر جنبش کارگری با حفظ وحدت و ایجاد تشکل های کارگری به دفاع از حقوق پایمال شده خود برمی خیزند.

## مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

## نامه خوانندگان

### سخنی درباره شعر:

بسیاری از خوانندگان "راه توده" اندیشه ها و احساسات خود را در قالب شعر برای ما می فرستند. با تحسین احساسات پاک و عمیق سرایندگان این اشعار، لازم است نکاتی چند در این زمینه تذکر داده شود:

بزرگان "شعر را" سیر و سلوک تاریخ در درون انسان "ارزیابی کرده اند و شاعر را پیامبر شوریده" رنج و آرزو. از این رو ناگفته پیداست که وظیفه شاعر در انجام این رسالت تاریخی - اجتماعی به پایهای از تعهد می رسد که برای سهل انگاری در این عرصه محلی باقی نمی گذارد.

هر چند پیام اصلی شعر در محتوای آن نهفته است و به عنوان یکی از اشکال آگاهی اجتماعی از قوانین عام هنر پیروی می کند، ولی شعر نیز مانند هنرهای دیگر، در درون خویش از قانونمندی های خود ویژه پیروی می کند. تفاوت هنر از غیر هنر در چگونگی بیان و ساختمان آن نهفته است و آنچه هنر را از مقاله سیاسی و علمی و... مجزا می سازد، زبان تصویری آن است. علم، بیان واقعیت به کمک مفاهیم است، ولی هنر با آفرینشی واقعیت به پاری تصاویر است. شعر نیز، بیان، زبان، ساختمان و آهنگ خاص خود را دارد. هیر چند بیان زندگی واقعی و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت بشری و پرداختن به اندیشه های والای انسانی، از وظایف اصلی هنر است. ولی این واقعیت ها باید بر اساس موازین ویژه این و آن هنر با آفرینی شود. ما معتقد به محدودیت در شکل شعر نیستیم و تنوع اشکال را برای تکامل هر شعر لازم می شمیریم. ولی این تنوع به معنی لجام گسیختگی و هذیان سرایشی نیست. شکل های شناخته شده "اوزان عروضی (کلاسیک)، شعر نیمایی (شعر آزاد) و شعر سپید (بدون رعایت وزن و قافیه) با بیان ویژه شاعر که هویت او را مشخص می کند، انکارناپذیر است؛ اما اهمیت فوق العاده مضمون شعر را نیز نمی توان نادیده گرفت. البته ارزش دادن به مضمون، به معنی پذیرفتن مضمون خوب در قالبیست و یا در هم ریخته نیست. نه برای وزن شعر، بهایی بیش از اندازه باید قائل شد و نه برای بی وزنی. هرچند آهنگ در شعر به گونه ای می تواند شناسنامه شعر قرار گیرد و بر اثر بخشی آن بیافزاید، ولی اگر وزن عاری از تصویر باشد، به نثری موزون بدل می شود، نه شعر.

باید هم آهنگی در کلیت شعر را در نظر گرفت. برخلاف ساده اندیشان، آنگاه نیز که شاعر همه قید وزن و قافیه را می شنکند، وظیفه او دشوارتر می گردد؛ زیرا برای پرکردن خلا وزن، نیاز به تخلیلی قوی تر و تصاویری غنی تر است، و تکه تکه نویسی نثر را نمی توان به مثابه شعر تلقی کرد.

چنین است که ما از همه خوانندگان عزیز

که شیفته هنر، و به ویژه شاعران و آن را تا پایه سرگرمی و تغن تنزل نمی دهند، و از آن به عنوان سلاح مبارزه بهره می جویند، انتظار داریم که آسان گیری در این عرصه زیبا را که با درون و عاطفه بشری پیوند می یابد و با روان آدمی به ورزش می پردازد، نیز بریند و سرسختانه به آموزش پیچ و خم های این سیر دشوار همت بگذارند؛ به ویژه این که برخی از سرایندگان، به قریحه اولیه برای این منظور مجهزاند و جا دارد با جدیست بیشتر و با مطالعه آثار بزرگان شعر و ادب فارسی به تربیت استعداد خویش بپردازند. و اگر کفکی در این راستا از دست ما برآید، دریغ نخواهیم خرید. از این شماره سعی خواهیم کرد در همین ستون به نوبت به نامه های رسیده پاسخ لازم داده شود. منتظر نامه های شما هستیم.

● شعر "پیک امید" از "آزاد" که به مناسبت برگزاری هجدهمین پنلوم کمیته مرکزی حزب توده، ایران سروده شده است، از ذوق سراینده در بیان شاعرانه موضوع حکایت دارد. این شعر با وزن عروضی سروده شده، اگر توجه بیشتری به قافیه و ردیف آن می شد، بهتر بود. در بیت اول می خوانیم:

"بر لب بام وطن ماه گهر بار نشست / دیو، پنهان زحقیقت به شب تار نشست." کسبه در این بیت "گهر بار" و "شب تار" هم قافیه اند و "نشست" ردیف است، در بیت های بعدی، قافیه رعایت نمی شود و تنها از ردیف استفاده می شود:

"قاصد خوش خیر آمد ز سرکوی امید / بانگ یکپارچگی باز به آفاق نشست" که "آفاق" به بیت اول، هم قافیه نیست. در هر حال لازمه استفاده از بحر شعر فارسی و اوزان عروضی، رعایت مختصات فنی آن است.

از این شعر در جای خود استفاده خواهد شد. باز هم برای ما شعر بفرستید.

● دوست عزیز "آرمان انسانی" احساس عمیقاً عاطفی و انسانی شما را می ستایم. شعر "پیشواز" شما که به مناسبت برگزاری هجدهمین پنلوم سروده شده است، با وجود این که گاه می رود که به زبان تصویر و بیان شعری نزدیک شود، ولی به علت عدم آشنایی با موازین شعری، به نثر پهلوی می زند. شما را به مطالعه بیشتری دعوت می کنیم تا ذوق در مسیری آموخته شده همسوار گردد. پارهای از شعر را نقل می کنیم:

"باز آ که بشر / زنجیرهای سنگین / بر دست و پا دارد / که بی پرویزی تو / باغ و بستان / از شکوفایی آبا دارد."

● دوست عزیز با نام "ارطمان" بسینیا حوصله ای در خود توجه نوشته، پرچمی را به نام "ارمغان" برای "راه توده" فرستاده است که متأسفانه در آن موازین شعری، جز قافیه های مکرر و مخل، رعایت نشده است. زبان طنز شما که در جای خود گیراست، اگر به نثر نگاشته شود می تواند موفق تر از آب درآید.

## حرف و حرف

"عبدالله، ولیعهد عربستان سعودی، حضور نظامی آمریکا در لبنان را به باد انتقاد گرفت. و گفت: ایالات متحده نه تنها باید نیروهای خود را از لبنان خارج سازد، بلکه اسرائیل را هم باید وادار به همین کار سازد."

آش لبنان چنان شور شده که "خان حاکم عربستان هم فهمیده!

"ریگان سوریه را شدیداً مورد حمله قرار داد و گفت: سوریه یک کشور متجاوز است."

دافره را به کیش خود بپرداز!

"حجت الاسلام خامنه ای در خطبه دوم جمعه گفت:

"راد یوهای وابسته به صهیونیست ها آمریکاکی ها البته تمهت می زنند، اما خودشان هم می دانند که تمهت هایی که به انقلاب اسلامی ایران زده می شود دروغ است. بلندگوهای وابسته به خود آمریکا و صهیونیست ها جمهوری اسلامی را متهم می کنند به داشتن روابط و معامله سلاح با صهیونیست ها یا با آمریکا. این مطلب دروغی که بارها تکذیب کردیم و اگر تکذیب هم نمی کردیم با موضع گیری های صریح جمهوری ما و انقلاب مسا با منافع آمریکا، معلوم بود که دروغ و خلاف واقع است. ما افتخار می کنیم که با قدرت استکباری آمریکا و مزدورن در منطقه، به شدت و به صورت پایان ناپذیری مخالفیم."

زاهدان کاین جلو بر محراب و منبری کنند چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند!

نخست وزیر: امروز ما اثرات جنگ را در همه جا می توانیم ببینیم. (اطلاعات، ۹ بهمن ۶۲)

مخصوصاً در گورستان ها و ویرانه های شهرها ما!

هادی غفاری، نماینده تهران: "اینک پس از پنج سال باید ۱۰۰ آستین ها را بالا زد و کار کرد" (اطلاعات، ۸ بهمن ۱۳۶۲).

بله، پنج سال خوردن و خوابیدن و "استراحت" کافی است!

هادی غفاری: "مردم اینک به خوبی فهمیده اند که بار سنگین مسئولیت فزونی سرساج آور قیمت ها، احتکارها، توزیع های نامتعادل و به خصوص بازار سیاه کاذبی که همه چیز را به مسلخ پول می برد و آن را ذبح شرعی و غیرشرعی می کند، اگر نه کلاً لاق به مقدار زیادی بردوش قوه قضائیه است. و امید است که پاسسرخ این حرف ها یک تبسم طبع نباشد" (همانجا).

برودعا کن که همان تبسم طبع باشد، و دشنام صریح یا اقدامات قبیح نباشد!

# سیزدهمین سالگرد تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران، خجسته باد!

در مراسم بزرگداشت تولد سازمان، از توسط سرکوب سازمان که در شرف تکمیل است پورده برداشتند و نشان دادند که ج ۱۰ با این گام در پی تسخیر یکی از محکم ترین سنگرهای دفاع از انقلاب و منافع زحمتکشان و میهن ماست، آنان، در این مراسم یک بار دیگر تأکید کردند:

" گناه " بزرگ و بسیار بزرگ سازمان ما این است که با صدای رسا به مردم می گوید، این حکومت به انقلاب و خواست های محرومین پشت کرده است. ماهیت جنگ خانان سوز ایران و عراق را که سران ج ۱۰ بر طبل آن می کوبند بر ملا می کند. جنایات رژیم در کردستان را افشا می نماید. سیاست های سرکوب گرانه و فاشیستی حکومت را محکوم می سازد. از حزب توده ایران قاطعانه دفاع به عمل می آورد. سازش و تسلیم رژیم به خواست های امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را فاش می کند و آگاه ساختن، متشکل کردن و هدایت صحیح مبارزات مردم را هدف خود قرار داده است "

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) یار دیگر در این لحظات حساس و تاریخی ، با خون رقای شهید خود میثاق دوباره بستند تا هرگز پرچی را که آنان برافراشتند از کف رها نکنند .

گرامی باد خاطره شهیدای به خون خفته فدائی خلق!  
- خجسته باد سالروز تأسیس سازمان فدائیان خلق ایران!

## مردم مترقی جهان: ...

بقیه از صفحه ۱۱

### تظاهرات نیروهای مترقی در ایالات متحده آمریکا علیه بیدادگاه های نظامی درسته تهران

روز جمعه ۹ دسامبر ( ۱۸ آذر )، تظاهراتی به مناسبت برپائی بیدادگاه های نظامی علیه میهن و استان ایرانی بنا به ابتکار احزاب کمونیست آمریکا، شیلی، گویان و هواداران حزب توده ایران در منطقه شرق ایالات متحده، در مقابل مقر سازمان ملل متحد برگزار گردید .  
تظاهر کنندگان، ضمن دادن شعارهایی جهت افشای اختناق و فشار در ایران و محکوم کردن دادگاه های در بسته نظامی، خواستار آزادی متهمان و کلیه زندانیان سیاسی مترقی گردیدند .

داشتند تا با بزرگداشت این روز تاریخی در زندگی سازمان برادر ما، پیمان خود را برای ادامه پیگیرانه اهداف میهن و دستاورد ترقی خواهانه سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) تجدید کنند و عزم خود را برای دنبال کردن راهی که سازمان برای پیوستن به شط خروشان جنبش کارگری ایران و جهان پیموه است اعلام دارند . هواداران فدائیان خلق ایران ( اکثریت )

اکثر شهرهای بزرگ اروپای غربی در مساه فوریه، صحنه برگزاری مراسم و جشن های بزرگ - داشت سیزدهمین سالگرد تأسیس سازمان فدائیان خلق ایران بودند .  
هواداران فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) در اروپای غربی از جمله در آلمان - فدرال ( برلن غربی - برلن - ویرتال - فرانکفورت )، استکهلم، رم و دیگر شهرها مراسمی برپا

## چگونه حقایق را تحریف می کنند

بقیه از صفحه ۹

و بالاخره اسرار سیاسی و اقتصادی رژیم در جریان مبارزه بر سر قدرت از زبان افرا د وابسته به این و یا آن جناح مخالف بازگو می شود و صفحات جراید و مجلات انباشته از این گونه افشاکاری ها است .

بعضا موضوع به اصطلاح اسرار جنگی مطرح می شود . این اسرار چیست؟ اگر منظور خرید اسلحه از اسرائیل و کره جنوبی و آمریکا و غیره است که در این مورد در مقاله در مطبوعات جهان منتشر گردیده و نام و نشانی واسطه ها نیز اعلام شده است . بدینسان اتهام " جاسوسی " فاقد پایه منطقی است . وانگهی چرا سران ج ۱۰ که روز روشن چراغ به دست در جستجوی جاسوسان به اطراف خود نظاره نمی کنند؟ سولیوان سفیر کبیر سابق آمریکا در ایران در خاطرات خود در تشریح قیام همافران در دوشان تبه و پیوستن نیروهای انقلابی به آنها و حمله به ستاد ارتش که عده زیادی از مستشاران و از آن جمله یک ژنرال آمریکائی در آنجا بودند می نویسد:

" در آن روز تا خیلی بعد از نیمه شب من همراه با جاسوسان ما در میان انقلابیون دوشیدیم تا افسران آمریکائی را از دامی که در آن افتاده اند آزاد کنیم " ( Fall 1980 Foreign Policy ) .

منظور سولیوان از جاسوسان و عمل و دست نشانندگان آمریکا منیان " انقلابیون " چه کسانی هستند؟ گرچه او نامی از این جاسوسان نمی برد ولی سران ج ۱۰ که باید بدانند چه کسانی در نجات جان مستشاران آمریکائی با سولیوان هم کاری کردند و این کسان مازانی بودند کسه در آستین آنها پرورش یافته بودند .

برای پنهان ساختن این واقعیات تلخ است که حکام ارتجاعی نظرات حزب توده ایران را تحریف و مسخ و مقله می کنند و منظری به تیرگی باطن خویش از این ترسیم می نمایند، باشد که آن را بی اعتبار و خاطره امپریالیسم خونخوار یانکی را از این رهگذر آسوده سازند .

ازل هریک به نحوی برای به اصطلاح وارد آوردن ضربه " بر حیثیت و اعتبار مکتب های کمونیستی " وارد صحنه شدند . یورش به حزب توده ایران نیز ارتباط ناگسستی با این رویداد در جهان دارد . سران ارتجاعی رژیم که راه نزدیکی به امپریالیسم آمریکا را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده بودند، خواه ناخواه می بایستست در کارزار ضد کمونیستی و ضد سوسیالیستی ر. ریگان شرکت جویند .

چنین همسانی نظرات نه از علاقه متقابل، بلکه از همسانی منافع ناشی می شود . لیسم و ارتجاع داخلی را کین حیوانی به هر نوع تحول مترقی به هم پیوند می زند . صرف نظر از قشری گری، قبل از هر چیز مواضع اجتنابایی، اقتصادی و سیاسی ارتجاع حاکم آن را به متحد بالقوه ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم تبدیل می کند .

رسانه های گروهی امپریالیستی پنهان نمی دارند که ایالات متحده آمریکا ارسال سلاح ها و لوازم یدکی، جنگی به ج ۱۰ را منوط به سرکوب حزب توده ایران کرده بود و پس از حمله به حزب و دستگیری اعضا، آن و شروع کار دادگاه های فرمایشی ارسال مستقیم سلاح از آمریکا و نیز از طریق کره جنوبی و اسرائیل رونق گرفت. اتهام " جاسوسی " برای جلب مراحم " شیطان بزرگ " ضرورت داشت .

نخستین سوالی که در ارتباط با این اتهام مطرح می شود اینست که جاسوسی برای دست پاپسی به کدام اسرار؟ همه افسران میهن دوست که تحت عنوان " تشکیلات مخفی " در بیدادگاه های رژیم محاکمه شدند، به درستی این سوال را پارها مطرح کرده و بی پایه بودن آن را کرازا خاطر نشان نمودند . واقعا هم ج ۱۰ چه سری دارد که این همه روی افشا آنها اصرار می ورزد . همه اسرار پشت پرده ج ۱۰ از رشوه خواریهای کلان و دزدی بیت المال در بنیاد های فرمایشی و وزارت خانه ها گرفته تا اسرار مربوط به زد و بند های رژیم با امپریالیسم آمریکا

**برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!**



### لبنان برای ریگان مانند ایران برای کارتر است

روزنامه "وال ستریت ژورنال" ارگانه سرمایه داری مالی ایالات متحده آمریکا می نویسد: "بدترین بحران سیاسی در ارتباط با لبنان در برابر پرزیدنت ریگان قرار گرفته است". به نظر این روزنامه همسانی وحشتناکی میان شکست دولت کارتر در مسئله ایران و وضع کنونی ریگان در مسئله لبنان وجود دارد. ناکامی ایالات متحده در جلوگیری از سقوط رژیم شاه در ایران و شباهت وضع کنونی رژیم وابسته به آمریکا در لبنان با اوضاع رژیم شاه در آن روزها این مسئله را مطرح کرده است که آیا ایالات متحده آمریکا قادرست سیاست مستحکم در ارتباط با مسئله خاور نزدیک در پیش گیرد یا نه؟

### ۹ میلیون بیکار و ۳۴ میلیون گرسنه در آمریکا

از مجموع ۱۲/۲ میلیون جمعیت فعال ایالات متحده آمریکا ۹ میلیون تن بیکارند. هفته نامه "نیویتد سیتس" نیز اندروید ریپورت که آخرین ارقام را منتشر کرده، می افزاید ۵/۵ میلیون آمریکایی به قدری نا امید و بی اعتقاد شده اند که از کوشش برای جستجوی کار به کلی صرف نظر کرده اند. ۵/۹ میلیون نفر گرسنه، کار موقتی پیدا نمی کنند. اما ارقام مربوط به این ناامیدان و دارندگان کار موقت در آمار رسمی بیکاران وارد نمی شود.

هنگامی که صحبت از گرسنگی به میان می آید، مردم معمولاً، کودکانه نحیف و رنج کشیده از کشورهای جهان سوم را در نظر مجسم می کنند کسه دارای شکمی باد کرده و دست پائی لاغر است، اما کوش های یک کیسوی مردمی مرکب از محلمان، پزشکان، دانشمندان امر اجتماعی و فعالین مذهبی از ایالات "نیوا انگلاند" نشان می دهد که در آمریکا هم گرسنگی به همان معنی وجود دارد.

واقعیات متعدد در گزارش ۱۲۲ صفحه ای این کمیسیون، ادعاهای مقامات رسمی را مبنی بر عدم گرسنگی در آمریکا تکذیب می کند و نشان می دهد که اینک ۳۴ میلیون آمریکایی با گرسنگی دست به گریبانند.

### بهای کمک

در سال گذشته، کشورهای در حال رشد، مبالغ بسیار زیادتری در مقایسه با آنچه که از بانک های کشورهای امپریالیستی دریافت کرده اند بابت اصل و ربح قرض های گذشته به این بانکها پرداخته اند. نشریه "هندی فاینانشل اکسپرس" این نتیجه را از مطالعه گزارش

سالانه بانک بازسازی و توسعه به دست آورده است.

برای این که به مقیاس غارت مالی کشورهای در حال رشد بیشتر پی ببریم بچاست به یسنک واقعیت انکار ناپذیر اشاره کنیم:

در سال گذشته، سیزده کشوری که به کشورهای امپریالیستی بیشتر از کشورهای دیگر بدی دارند ۲۱ میلیارد دلار بیش از وام های تازه خود به این کشورها، پول پرداخته اند. بدی کلی کشورهای در حال توسعه طی این سال ۴۴۴ میلیارد دلار بیشتر شده و به رقم نجومی ۸۱۰ میلیارد دلار رسیده است. افزایش این بدی تا اندازه ای هم بر اثر بالا رفتن بی بند و بشار نرخ بهره به وجود آمده است.

تهیه کنندگان گزارش، اعتراف کرده اند ادامه این وضع موجب آن خواهد شد که کشورهای بد هکار، سال به سال فقیرتر شوند. در سال ۱۹۸۳ آنگه، رشد این کشورها، پائین ترین میزان را از پایان جنگ دوم جهانی به این طرف داشته است.

### قانون برای انتخابات ارگانهای محلی حکومتی در جمهوری دمکراتیک افغانستان

اخیرا در جلسه فوق العاده شورای انقلاب جمهوری دمکراتیک افغانستان قانون مربوط به انتخابات ارگان های محلی حکومتی مورد بحث قرار گرفت و به تصویب رسید. رفیق بیکر کارمل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب در ارتباط با پذیرش این قانون گفت که با تصویب آن، تضمین های پایداری در مورد شرکت فعالانه زحمتکشان و رهبری امر دولتی و زندگی سیاسی و اجتماعی کشور به وجود آمده است. نمایندگان مردم در ارگان های محلی حکومتی برای مدت چهار سال انتخاب می شوند و وظایف خود را به عنوان یک امر اجتماعی انجام می دهند، بدون آن که حقوقی در ازای آن دریافت کنند. این قانون، حق انتخاب را برای عموم پیش بینی کرده است. همه شهروندان جمهوری دمکراتیک افغانستان که هجده سال داشته باشند، مستقل از منشأ خود، وضع اجتماعی، نژاد و ملیت، جنس، میزان تحصیلات و تعلق مذهبی می توانند انتخاب کنند و انتخاب شوند.

### پاکستان در آستانه ساختن بمب اتمی

موافق ارزیابی عبدالقدیر خان، کارشناس اتمی پاکستان در روزنامه "نوی وقت"، رژیم نظامی پاکستان اگر تصمیم بگیرد می تواند هر لحظه بمب اتمی درست کند. این ارزیابی تمام اعلامیه های دولت پاکستان را مبنی بر این که برنامه های استفاده از انرژی اتمی این کشور خصلت صلح آمیز دارد باطل می کند. برنامه مخفی ساختن بمب اتمی پاکستان، "پروژه ۷-۶" نامیده شده است. مراکز اتمی پاکستان در اطراف شهرهای کاهوتا، راولپنڈی، چیشمه و

کراچی در تحقق این برنامه شرکت دارند. مناطق کوهستانی بلوچستان، توتل ویژه ای شده که باید انفجار اتمی در آن انجام شود. نظر کارشناسان هندی پاکستان، آن قدر مسو راد یو آکتیو در اختیار دارد که قادر باشد سالها چند بمب اتمی تولید کند.

مبتکر اصلی و مشوق پاکستان برای ساختن بمب اتمی، ایالات متحده آمریکا است که در سایه های پنجاه راکتور اتمی در اختیار این کشور گذاشت و کارشناسانش را تربیت کرد. به ویژه ارسال بمب افکن های اف-۱۶ برای پاکستان که می تواند جنگ افزار هسته ای حمل کند، خطر بزرگی برای کشورهای همسایه این کشور محسوب می شود.

برای آشنایی بیشتر با موضوع در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی (بهای اشتراک) به آدرس زیر ارسال نمایند:

حساب بانکی: Postscheckamt 6000 Frankfurt Konto Nr. 632 92 - 602 Bankleitzahl 58010060

بهای اشتراک: □ سه ماهه □ شش ماهه □ یکساله □ مدل ۲۵ مارک □ ۵۰ □ ۱۰۰

آدرس: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 600 Frankfurt 90

توجه "راه توده" از شماره ۸۳ به جا روزهای جمعه، روزهای دوشنبه منتشر خواهد شد

کمک مالی به حزب توده ایران! یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در گوتمبرگ (سوئد) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

مهری از پاریس ۵۰۰ فرانک  
مجید از برلن غربی ۱۰۰ مارک  
رفیق پرتغالی از فرانسه ۵۰۰ اسکدر

**RAHE TUDEH**  
No. 81  
Friday, 24 Feb 84  
Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM	Italy	600
France	3	Fr.	U.S.A.
Austria	8	Sch.	Sweden
			3
			Skr.

